

عزیز صابری را آزاد کنید

در روز ۲۹ خرداد، آقای عزیز صابری که مقیم اهواز و کارمند راه آهن می باشد، بخاطر اعتراض به باز کردن کارتن های حاوی جزوه سازمان ما، "آنچه در خرمشهر گذشت"، توسط کمیته اما راه آهن دستگیر و هفته نامه "رنجبر" نیز توسط همین کمیته توقیف شد. روز بعد برادر ایشان، آقای ناصر صابری که گیرنده جزوه ها بوده به کمیته مراجعه می کند ولی او هم دستگیر می شود. خانواده این دو مبارز تاکنون نتوانسته اند با آنها ملاقات کنند و از وضعیتشان مطلع گردند. کمیته، خانه آقای صابری را نیز تفتیش کرده و چند بسته "رنجبر" و کتاب "نگاهی به نهضت کارگری در ایران" را بعنوان باصلاح مدرک با خود برده است. بعلاوه باز پرس کمیته در جواب خانواده صابری که علت دستگیری فرزند خود را می پرسیده اند، شروع به فحاشی نموده، به آقای عزیز صابری تهمت های واهی، از جمله اینکه گویا در وقایع اخیر خرمشهر دست داشته، زده اند.

"رنجبر" بخاطر دفاع پیگیر از حقوق خلق های مختلف ایران از جمله خلق عرب، که تنها در وحدت و یکپارچگی آنها و در چهار چوب ایرانی مستقل و متحد قابل دستیابی است و بدلیل مبارزه سرسختانه اش بر علیه امپریالیسم بویژه دوا بر قدرت آمریکا و شوروی و عمال و دست نشاندهگان آنها، مورد استقبال خوانندگان زیادی در میان خلق عرب قرار گرفته است.

جزوه "آنچه در خرمشهر گذشت" نیز بر اساس همین خط مشی به تجزیه و تحلیل اصولی از وقایع خرمشهر پرداخته، علل و ریشه های آن را بدون غرض و پرده پوشی بیان داشته، حد مسئولیت هر گروه و نیروی را در این ماجرا مشخص کرده در آن نیز طریق حل صحیح سیاسی آن را بر پایه وحدت خلق عرب با جمهوری اسلامی و لزوم شناخت حقوق حقه خلق عرب از طرف دولت ارائه نموده است.

این جزوه تنها دشمنان

استقلال و آزادی ایران، پاکسانی را که در چهار رجب منافع تنگ نظرانه گروهی خود گیر کرده اند و قاصر به حرکت از منافع عالی خلق و کشور نیستند، برآشفته و بیگانه سازی را که، در این حادثه دچار خطا شده اند و از اذعان علنی آن هراس دارند.

ارگانها و عناصری که خود را بقیه در صفحه دوم

در باره

دادگاههای فوق العاده

روزنامه های سوم تیر، متن لایحه قانونی تشکیل دادگاههای فوق العاده رسیدگی به جرائم ضد انقلاب را، که در شورای انقلاب به تصویب رسیده است، انتشار دادند.

لایحه دادگاهها (بتحوی که در روزنامهها آمده است) تقریباً و در بعضی موارد تحقیقاً

قوانین ضد خلقی و مرتجعانهی رژیم ضد خلقی رضاخانی را عیناً کپی کرده و آنرا بعنوان قوانین دادگاههای انقلاب ب مردم عرضه کرده است.

مثلاً در ماده ۴: "کلیه جرائم پیش بینی شده در مبحث اول و دوم باب دوم، و فصل دوازدهم از باب سوم قانون مجازات عمومی تا پایان ماده ۲۶۱ همان قانون" در بست بعنوان قوانین "انقلابی" به تصویب رسیده است.

از جمله این "جرائم" تشکیل جمعیت ها و دسته های با مرام اشتراکی (کمونیستی و سوسیالیستی) میباشد. یعنی همان موادی که با استناد به آنها ۵۸ سال بقیه در صفحه دوم

سال اول - تیر ۱۳۵۸ - هفته دوم



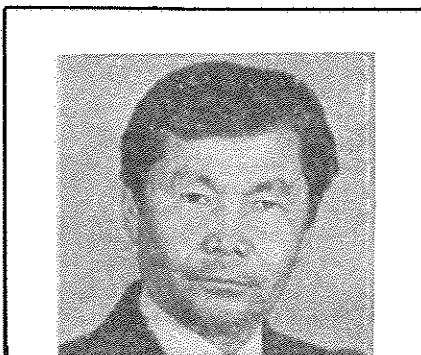
گفتگویی با «آق ملا طالب العلم»

نماینده خلق قزاق

در تاریخ ۲۹ خرداد ۳۶ نفر از قزاق های گرگان جهت ملاقات با امام خمینی عازم قم شدند.

بهمین مناسبت و بخاطر آشنائی با نظراتشان، با نماینده آنها که سالها جهت حقوق از دست رفته ی قزاقها تلاش میکردیم گفتگو داشتیم.

ایشان آقای "آق ملا طالب العلم" هستند و تمام زندگی شان را صرف خدمت بقزاقها و عمران و آبادی محله های که با وسپرده شده است، کرده اند. ایشان در سال ۱۳۱۲ به ایران پناهنده شدند و



در این شماره:

- * تهاجم فتوایها در فیروز آباد (فارس)
- * کارخانه کاغذ سازی پارس هفت تپه را پاکسازی کنیم
- * شوروی کشوری امپریالیستی
- * دیداری از دهقانان عرب شعبیه (اهواز)
- * دست امپریالیسم آمریکا از کره کوتاه!
- * درباره قضیه محمدرضا سعادت

محاكمه تهرانی و دار و دسته کیانوری اتحاد نامقدس

آیا این تصادفی است که کیانوری وابسته به روس از تهرانی وابسته به آمریکا نقل قول می آورد و دشمن مشترک خویش را با یاری هم دیگر مورد فحاشی و حمله قرار میدهند؟

نه، بهیچوجه تصادفی نیست! مگر نه اینکه کیانوری نیز از بابی دارد و ماهیت اربابش نیز مثل ارباب تهرانی امپریالیستی است. مگر نه اینکه ارباب آقای کیانوری نیز منفعتمندش در تفرقه خلق و عدم اتحاد کلیه نیروهای استقلال طلب و انقلابی است؟

تهرانی و کیانوری در مبارزه علیه کمونیستها، انقلابیون و بقیه در صفحه هفتم

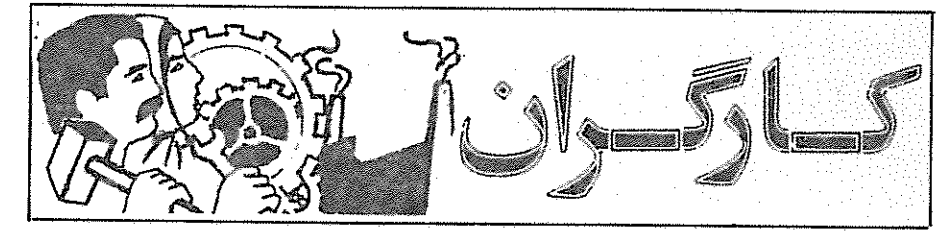
دار و دسته خائن کیانوری با جلادسا واک - تهرانی - همگام و همصدا شده اند. روزنامه ی مردم در دو شماره اخیر خویش (۲۹ و ۳۰) با توسل به لجن پراکنی های تهرانی، به سازمان انقلابی حمله ور شده و با تکیه بر تحریفات و هجو بیات سرهم بندی شده ی تهرانی دار و دسته کیانوری و شرکاء خود را به معروض نمایش گذاشته است و روزنامه مردم با آوردن نقل قول از تهرانی که سیاست ضد انقلابی تفرقه انداختن میان صفوف خلق، میان مسلمانان انقلابی و مبارز و کمونیستهای استقلال طلب و واقعی را در خدمت به اربابان امپریالیستش دنبال میکرد، به سازمان انقلابی، حمله کرده است.

ملاقات آیات عظام

در روز ۲۹ خرداد امام خمینی با آیات عظام شریعتمداری، گلپایگانی و مرعشی نجفی ملاقات کردند. در این جلسه که با حضور این چهار رهبر بزرگ مذهبی تشکیل گردیده بود، مسایل مهم مملکتی مورد شور و مذاکره قرار گرفت.

هرگونه برخورد نادرست و یا قدرت طلبی میتواند منشاء حوادث خونینی شده و شکاف عظیمی در صفوف یکپارچه انقلاب ایجاد نماید. شایعه پراکنان و مغرضین در پی فرصت چنین تفرقه ها می هستند.

جلسه ۲۹ خرداد ۱۳۵۸



کارگران

اعتصاب کارگران پیمانکاری

پالایشگاه آبادان

و تا امروز از هیچ مرجع مسئولی کسی برای مذاکره با آنها نیا آمده . این کارگران که در پیمانکاریهای مختلفی مانند تعمیرات خدمات باغبانی - بیکه سازی - اسکله ها - انبارها - قیرسازی - نقاشی - کف رنگ - تنظیفات هستند از بقیه در صفحه دوم

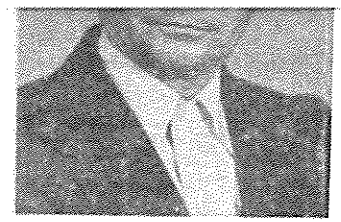
بیش از دو هزار نفر از کارگران شرکتی پیمانکاری وابسته به شرکت ملی نفت در آبادان بدنیاال عدم رسیدگی به خواسته های آنها از طرف مقامات مسئول و وزارت کار مبنی بر رسمی شدن و دیگر خواسته های رفاهی آنها ، از تاریخ ۵۸/۳/۱۹ دست به اعتصاب زده اند

راهپیمائی کارگران آجر فشاری گران

بعد از اینکه به فرمانداری رسیدند چند نماینده وارد دفتر فرماندار شدند و خواستند که فرماندار آنها بقیه در صفحه پنجم

حدود ۵۰۰ نفر از کارگران زن و مرد کوره آجریزی (آجر فشاری) خواهان اضافه دستمزد ۴۰٪ هستند. آنها بیش از یک هفته است که بدنیاال خواسته های شان هستند ولی کسی جوابی بآنها نداده . بارها به اداره کار فرمانداری مراجعه کرده اند ولی جوابی نشنیده اند. روز چهارشنبه ۲۳ خرداد در حدود ۵۰۰ نفر از این کارگران دست به راهپیمائی زدند . شعارهای آنان که روی پلاکاردها حمل میکردند عبارت بودند از: بحق مسکن - تعطیلات رسمی - حق بیمه - اضافه حقوق ۴۰٪ با انضمام عکسهای امام خمینی

آنها در ساعت ۱۰ صبح جلوی اداره ی کار جمع کردند و با فرستادن طلوات هم روی زمین نشستند . نماینده ی آنان میخواست با رئیس اداره کارویا معاونش صحبت کند که هیچکدام در اداره ی کار نبودند و آنان بعد از یک ربع ساعت تصمیم گرفتند که به فرمانداری بروند و با فرماندار صحبت کنند و در آنجا بنشینند ،



آق ملاطالب العلم

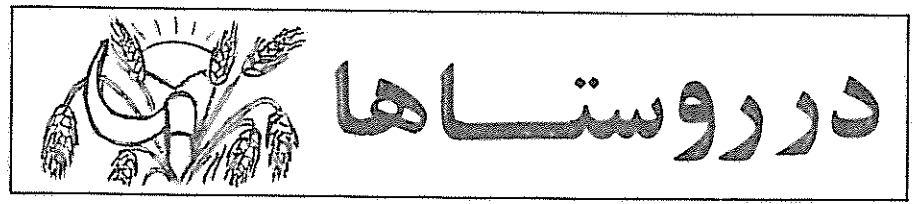
۱۳۴۰ تا نخواستند برای قزاقها شنا سنامه اخذ نموده و بعد از آن خواستار زمین برای قزاقها شدند . که بتوانند با آن زندگی کنند . ایشان توانستند ۶۰۰ هکتار زمین بدست آورند (قریه کینگلینگ) ولی فردی بنام تیمسار رمزیین که نماینده شاه در منطقه بود برای اینکه بتواند این زمین ها را تصاحب کند و از طرفی چون زمینها پیش لطمه میزد ، خواهان ۳۰۰ هزار تومان رشوه شد . ولی چون برای "آق ملاطالب" مسئله مردم در کار بود از دادن این رشوه سرباز زد و به همین خاطر چون حاجت تیمسار را برآورده نکرده بود او را بمدت نامعلوم به استان فارس تبعید کردند که تبعید او ۷ سال طول کشید و با پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۸ به گران بازگشت . بقیه در صفحه چهارم

تهاجم فئودالها در فیروزآباد (فارس)

خواهد بود . مردم برخورد قاطع دولت در زمینه سرکوب فدا انقلاب در این منطقه سبب گردید که حتی عناصر ساواک از سایر مناطق به فارس آمدند (منوچهر نجفی معاون ساواک اصفهان ، قاسم جلیلی معاون ساواک مشهد) و در کوهها و دهات دست به توطئه گری علیه انقلاب و دهقانان ستم دیده این منطقه زدند .

مردم منطقه این عناصر را جنایتکاران کلامی و خطرناک می نامیدند و با خوبی احساس میکردند و بطور جدی خواهانند که دولت سریعاً برای سرکوب و قلع و قمع این جنایتکاران بقیه در صفحه پنجم

تشکیل گردیده بود ، مسایل مهم مملکتی موردشور و رو میذاگره قرار گرفت . وحدت رهبران روحانی خواست اکثریت مردم ماست زیرا که این وحدت بنفع آدمی انقلاب است . مردم میخواهند در سایه وحدت و همبستگی ، استقلال مملکت حفظ شود و دستاوردهای انقلاب تحکیم گردد و همه برای یک هدف و آن ساختن ایرانی مستقل ، آزاد و آباد



در روستاها

دیداری از

دهقانان عرب شعیبیه (اهواز)

میگیرد . نزدیکترین ده به شهر در صورت وجود وسیله نقلیه (که اغلب بیگانه (وانتبار) اند و برای حمل وسائل کشاورزی کاشته شده مثل گوجه فرنگی و هندوانه و گندم و جو در آنجا مشغول اند) ساعت ۲ تا ۲/۵ ساعت است .

با وجودیکه کارون (شطیط) از کنار این آبادی ها عبور میکند ولیکن هیچ یک از این دهات آب نوله کشی ندارند . اغلب زنان باید آب را از رودخانه که فاصله اش تا ده بیش از یک کیلومتر است بده حمل کنند و در بعضی دهات شیخها یا موسسات تعاونی تلمبه های خریداری کرده و آب را از رودخانه کشیده و برای زراعت بسازند می آورند .

از برق یا بیمارستان در تمام این ناحیه اطلاخی نیست . حتی یک ده هم گرمابه ندارد و اغلب در تابستان مردم به رودخانه میروند و نظافت میکنند که خود در بازگشت آنقدر بقیه در صفحه دوم

مردم شعیبیه در غرب رودخانه کارون (واقع در غرب شاخه اصلی آن بنام شطیط یعنی شط کوچک) بین اهواز - شوشتر و اندیمش ساکنند .

منطقه وسیعی است که بنایه اظهار مردم آنجا شامل قریب به ۵۰ آبادی میشود و جمعیتی در حدود ۳۰ هزار نفر دارد . بخشی از آنها نزدیک به اهواز سکونت دارند . در هر حالت برای رفتن به اهواز یا شوشتر باید حتماً از رودخانه عبور کنند که در آنجا از بلم (قایق) استفاده میکنند . با عبور بوسیله بلم وارد ناحیه شعیبیه که میشوی تا چشم کار میکند بیابان می بینی و در آن اطراف گاهی اوقات نواحی سبزی هم بچشم میخورد که معمولاً بوته های هندوانه کاشته اند .

خانه های دهقانان عرب طبق معمول ، گلی و فاقد هر گونه وسیله بهداشتی است ، جاده های خاکی دهات این بخش را بهم وصل میکند که عبور و ساینه نقلیه از آن بسختی انجام

* اعتصاب کارگران پیمانکاری..

آنجایی که در وضع بسیار ناراحت کننده و رقت باری بسر میبرند و با پائین ترین حقوق (اکثر قریب به اتفاق آنها روزی ۲۷۸ ریال میگیرند) در شرایط بدی قرار گرفته اند، سرانجام در سطح گسترده ای دست به اعتصاب زده اند و نتیجتاً اکنون قسمتی از واحدهای تولیدی پالایشگاه آبادان و دیگر قسمتهای وابسته با اشکال مواجه شده است و بخش عمده ای تعمیرات دستگاها که توسط کارگران پیمانکاران زاده میشد اکنون به حالت تعلیق درآمده است.

نظرات تنی چند از کارگران :

* من ۳۴ سال است که در شرکت پیمانکاری در پالایشگاه کار میکنم ابتدا به من روزی ۱۴ تومان میدادند و تا به امروز که شده روزی ۲۷ تومان و ۸ ریال - بچه دارم خانه ای گراه کرده ام که ماهانه ۴۰۰ تومان گراه آنرا میدهم بعلاوه ای ۱۵۰ تومان پول آب و برق با این درآمد کم چکار میکنم؟ من جوان هستم دلم میخواهد کار کنم حتی روزی بیش از ۸ ساعت ولی به ما حقوق کافی بدهند چرا ما نباید رسمی بشویم بما گفته اند که تعدادتان زیاد است خوب اقلاً حقوق یک کارگر رسمی ساده شرکت نفت را بدهند من نمیدانم شرکت نفت چرا این واسطه ها را بر سر نمیدارد ما آنها را میخواهیم چکار اینها شیرهی ما را مکیده اند در عوض خودشان زمین - خانه - ماشین و خلاصه همه چیز دارند میدانم که همه اش هم مال ماست ما به دولت علاقه داریم، خیلی هستیم و همه مان هم پشتیبان آن هستیم

* دیداری از دهقانان ...

در راه خاک میخورند که تا رسیدن به خانه اثری از شستشوی قبلی باقی نمیماند. در زمستان بعلمت سرد بودن هوا از این نظافت کردن در هوای سرد هم محروم میشوند. مردم اگر وسیله ای بدست آورند تا مریضهایشان را بشهر ببرند آنقدر خوشحال میشوند که اصلاً مسئله گرد و خاک برایشان مهم نیست.

در راه ابتدا به مزرعه ای که در آن هندوانه کاشته شده به مردم رسم. عکس آیت الله خمینی

چرا به ما اعتنایی نمیکنند ما کم آن روحیه ای انقلابی را که سابق داشتیم از دست داده ایم.

* اسم من احمد است من ۸ سال است که کارگر پیمانکار هستم بچه دارم. از شرکت نفت میخواهم که حقوقی به ما بدهند که بتوانیم شکیمان را سیر کنیم با روزی ۲۷ تومان که نمیشود زندگی کرد. رفته ام برای یک خانه ای گراه ای گفته اند پنج هزار تومان جلو بده ماهی هم ۵۰۰ تومان من از کجا بیاورم. کارگر دیگری میگوید: من در "گیرها" زندگی میکنم آب و برق هم ندارم بخدا حاضرم ۱۲ ساعت کار بکنم ولی حقوق کافی بمانا بدهند مگر ما دل نداریم. مگر ما انسان نیستیم مگر ما دلمان نمیخواهد که از باد خنک کولر استفاده نکنیم چرا تو این گرمای ۴۵ درجه ما بدون برق با شیم آنوقت فلان پیمانکار رسکا رش کولر با شد تو ما شینش کولر با شد و خونه هم که میره سه چهار تا کولر روشن باشه و ما زیر برق آفتاب که آنهم آب میشود با ید بشکه های قیری داغ را به بالای ماشین ببریم چقدر تحمل بکنیم من خجالت میکشم که با بچه ام به بازار بروم میترسم یک اسباب بازی بیا این همه میوه های خوب خوب و با به چیز دیگه را ببینند و از من بخواد که برایش بخرم و منم که پولی ندارم. این برای من که پدر هستم تحملش سنگین است.

* یکی دیگر از کارگران میگفت: "من ۱۰ سال است که کار پیمانکاری میکنم و حقوقم ۲۸ تومان است اینجا سا بقیه کار را ا صلاح حساب نمیاورند و بطور کلی مسئله ای به نام ترفیع یا درجه وجود ندارد همه یک حقوق میگیرند. با این پول بیایم در صفحه هفتم

رنجبر

* عزیز صابری را ...

مؤمن به انقلاب میدانند، بجای سرکوب عناصر استقلال طلب و آزادیخواه، با ایدوا قعیست ستم پدگی خلق عرب را بپذیرند، با او متحد شوند و با او خدمت کنند تا رها شود و متحد با سایر خلقهای ایران و جمهوری اسلامی، در امر سازندگی ملی و پاسداری از زمین شرکت فعال کنند. ضد انقلاب، طبقات ارتجاعی، فئودالها، عوامل بیگانگی، ساواکی های رخنه کرده در اینجا و آنجا، همه باید تصفیه و سرکوب شوند.

از نظر خلقهای مادستگیری ایندومبارز، ضبط "رنجبر" و جزوه "آچه در خر مشهر گذشت" شدیداً محکومند. این اعمال به تنها قادر نیست به وحدت و سیع خلق خدمت کند بلکه برعکس، در جهت خلاف آن حرکت می کنند. مرز بین خلق و ضد خلق را مخدوش می سازد و با ضربه زدن به نیروهای خلقی، زمینه را برای عناصر ارتجاعی فراهم می آورد.

ما از دادستان احوال کمیته امام قاطعانه میخواهیم که هر چه سریعتر در مورد آزاد ساختن ایندومبارز اقدام نمایند، ضبط رنجبر را لغو و جزوه ها را مسترد نمایند و از این عمل بجای استتباب خود پیروزش بطلبند.

گذاشتند و از ما عذرخواهی میکردند که نمیتوانند از ما خوب پذیرائی کنند!

چند ساعتی نشستیم، اتفاقاً مهمانی هم از یک ناحیه دیگر شعبیه آنجا بود. تقریباً ۱۰ نفر از اهالی ده که فرصت داشتند از کار دست کشیدند و نزد ما آمدند و بما خوش آمد گفتند و هر یک پس از احوالپرسی به صحبتهای که بین ما و مهمان آنها و صاحب خانه بود گوش میدادند.

مهمان میگفت: ما میترسیم صحبت کنیم. ما از دست شیخ ها تامین نداریم مردم اینسن ده و دهات دیگر شعبیه همه از شیوخ میترسند. آنها همیشه با دولت شاه دست داشته اند و بزرگترین جنایتکاران هستند شیوخ از ژاندارمها هم کثیف ترند از سگها هم کثیف ترند. آنها شبی در بغداد پیش حسن البکر هستند و صد ندامت خمین مدهنده

* درباره دادگاههای ...

در این کشور دسته دسته انقلابیون و بهترین فرزندان خلق را روانه کشتارگاهها کردند.

آیا میتوان باور کرد که همان قوانین سیاه ضد خلقی و ضد کمونیستی رژیم های رضاخانی و محمدرضا شاهی که بوسیله آنها خون هزاران نفر از شریف ترین جوانان این مرز و بوم ریخته شده است از طرف جمهوری اسلامی بعنوان قوانین انقلابی برای سرکوب ضد انقلاب مورد استناد و استفاده قرار گیرد؟

مگر انقلاب برای برانداختن ۲۵۰۰ سال شاهنشاهی و پیش از نیم قرن رژیم منفور پهلوی با تمام آثار و قوانین و نظام ضد ملی و ضد مردمی اش نبود؟ طبق ماده دیگری از این قانون، دعوت به اعتصاب کارگران در کارخانه میتواند ۱۰ سال زندان داشته باشد و متهم حداکثر ۳ روز حق دفاع از خود دارد.

باید چند ساعت در مطب بنشینیم چون فقیر و عرب هستیم هر کس که وارد میشود و لباسی برتن دارد او را نزد دکتر میبرند آخر سر وقتی ما را میخواهند بداخل ببرند با لحن تحکم آمیز، تحقیر آمیز و توهین آمیز ما را بمطب میبرند. بما میگویند عرب است نمیفهمد. نمیگویند که زبان ما را از ما گرفته اند و ما را به این فلاکت انداخته اند. چرا ما نباید در همین جا از دکتر و بیمارستان استفاده کنیم؟ چرا نباید راهی برای بستن مریضهایمان بشهر داشته باشیم، چرا وسیله ای در اختیار ما برای رساندن مریضهایمان بشهر نداشته باشیم؟ یا چه بدبختی مریض را به شهر میبریم آنوقت آن برخورد ها راهم ببینیم. ما عموماً مریضی را به شهر میبریم که در سخت ترین شرایط باشد اغلب هم مریضهای ما عمرشان را بشمار میدهند. یکی میگفت: اصلاحات ارضی مقداری زمین به بعضی ها داد ولی اکثر مردم را بی زمین کرد اکنون موسساتی درست شده اند که آنها نقش شیخ را بازی میکنند.

از ما خواهش کردند که یک زن و یک بچه را که مریض اند

مبارزه با ضد انقلاب اساساً یک مبارزه سیاسی است و با قوانین، ضد انقلاب سرکوب نمیشود.

استفاده از قوانین ضد کمونیستی و ضد خلقی ارتجاع و امپریالیسم سرنگون شده تنها میتواند به خلق ضربه بزند، انقلاب را تضعیف کند و زمینیه رشد و نفوذ عوامل وابسته به امپریالیسم را فراهم آورد.

آن قانونی محترم است که حافظ منافع توده ها باشد و منافع توده ها را در قوانین رضا خانی نمیتوان یافت. ما این لایحه قانونی را متضاد با روح انقلاب اسلامی ایران، متضاد با منافع خلق دانسته و میخواهیم که سریعاً مورد تجدید نظر قرار گیرد و در این حین، دولت از بکار بردن آن جدا خودداری نماید.

مادرباره ای این قانون در شماره های بعد مفصل تر صحبت خواهیم کرد.

* طرفداران روس و ...

عمال اجانب بعنوان مسئله اصلی انقلاب و دعوت ملت برای بدست گرفتن سر نوشت خویش و قطع دست آمریکا، شوروی، انگلیس و دیگر بیگانگان - (تکیه از ما ست) دادگاه انقلاب اسلامی در پیام خویش به ملت ایران چنین مینویسد: " مستگیرین در سطح بین المللی همه ای بر قدرتها، کارتله ها و تراستها، کمیانیها و شرکتهای غارتگر، انحصارگران و دریک کلام کا پیتال امپریالیسم و سوسیال امپریالیسم میباشد. " آقای بنی صدر در مصاحبه مطبوعاتی خویش گفتند: " مردم کا ملا روشن اند، میخواهند مملکتی داشته باشند خراج زسلطهی روس و آمریکا و هر قدرت دیگری. " امام خمینی در پاسخ به سنای آمریکا گفتند: "... البته سنای آمریکا ما را محکوم میکند، مجالس انگلستان ما را محکوم میکنند، مجالس شوروی ما را محکوم میکنند، ما محکوم همه قشرها هستیم. " حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی در محکوم نمودن ترور آیت الله مطهری که منجر به شهادت ایشان گشت، در

درواه ابتدایه مزرعه‌ای که در آن هندوانه کاشته شده بود می‌رسیم. عکس آیت‌الله خمینی در بیابان کنار مزرعه که در کنار جاده بودند نظرمان را بخود جلب کرد. از اتوموبیل پیاده شدیم و بطرف کشا ورزان که در وسط مزرعه بود می‌روند، رفتیم، با ما خیلی گرم و صمیمانه احوال‌پرسی کرده ما را بسه زیر سایبانی که درست کرده بودند راهنمایی کردند در آنجا نیز یک تصویر بزرگ از آیت‌الله خمینی قرار داشت. برای ما فوراً هندوانه آوردند و در حین پذیرائی از ما، از زندگی‌شان تعریف میکردند.

میگفتند که: «اولا اغلب مردم این ناحیه (شعبیه) فاقد زمین‌اند و برای امرار معاش به شهرهای اهواز، شوش و آبادان و حتی بسه کویت می‌روند. تعدادی دارای مقدار اندکی زمین‌اند. مثلاً دو نفر و این جوان که برادر کوچک یکسبی از کشا ورزان بود سه نفری در این زمین که جمعا ۵ هکتار است کار میکنند و باید ۱۲ نفر را اداره کنیم. ما باید برای حمل محصولات خود به اهواز بعلت نداشتن جاده که خودتان میبینید به هر ماشین وانت باره ۲۵ تا ۲۷ تومان کرایه بدهیم در حالی که همین مقدار محصول را دهاتی‌ها که در آن طرف رودخانه و در کنار جاده آسفالت قرار دارند با حداکثر مبلغی ۱۵ تومان کرایه به شهر می‌فرستند. اغلب اوقات پی‌ا‌پی‌ان فصل کشاورزی ماهم مثل اکثر مردم این ناحیه برای تا میهن زندگی به شهرها می‌رویم و در شرکتها معمولا بعلت بیسوادی جز نگهبان یا عملی‌ای که فقط باید کارهای سخت انجام دهد شغل دیگری نداریم.

شما خودتان بهتر میدانید که در شهرها ما که از ده می‌آئیم و زبان فارسی نمیدانیم چگونه رفتار میشود. ما مجبور میشویم که انواع و اقسام توهین‌ها و تحقیرها را تحمل کنیم. مانده بهداشت داریم، نه بیمارستان، نه دکتر و نه هیچ چیز اولیه‌ای. مدرسه‌ای در ده داریم که معلم

در یک کلاس درس بخوانند پس از آن چون ادامه تحصیل نه در ناحیه و نه در شهرها بعلت عدم توانائی مالی برایشان ممکن نیست هر چه یاد گرفته اند فراموش میکنند و بهمین دلیل اغلب بچه‌های ده هم علاقه‌ای به تحصیل ندارند. تازه باید زبان فارسی یاد بگیرند و این برای بچه‌های ما که زبان مادریشان عربی است و در محیط ما بجز معلم مدرسه که فارسی می‌داند و تازه بر خوردا و هم با بچه‌ها کم است خیلی مشکل است.

کشاورز جوان که ۸ سرقله دارد به برادرش اشاره میکنند و میگویند: «او ۵ کلاس درس خوانده و حالا هم سرانجام مثل همه بچه‌هایی که اصلا درس خوانده‌اند در اینجا با ما به کشاورزی پرداخته است. آخرین درس چه فایده‌ای دارد؟ دولت ما را بکلی فراموش کرده و مثل اینکه ما جزو این مملکت نیستیم. میگفتند: بحمدالله که بکمک خدا و امام خمینی انقلاب شده و امیدواریم که در آینده وضعمان تغییر کند.

با تشکر از آنها به راهنمان ادامه دادیم، پس از عبور از چند ده که عده‌ای مشغول خرمن کردن گندم‌هایشان بودند، عده‌ای هم از این ده به آن ده با اسب و یا پیاده میرفتند. بهنگام ظهر به دهی رسیدیم، کسی که بدیدارش رفتیم جوانی ۲۰ ساله و طبیعتا عرب و ساکن این ده بود که برای کمک به خانواده‌اش اغلب در شهر اهواز کار می‌کند. بتازگی در کارخانه آسفالت سازی فرانسی بنام کارون که در نزدیک دهشان است مشغول کار شده است. پدرش در غیاب او از ما صمیمانه پذیرایی میکند. از پذیرائی گرم و صمیمانه آنها همینقدر بگویم که واقعا شرمنده شدیم. باور کنید شرم داشتیم از خوردن غذا که آنها بلافاصله از بالاترین امکانات موجود خود برای پذیرائی از ما استفاده کردند. جوجه‌ای در اختیار داشتند و غذا را خلاصه آماده کردند. علاوه بر برنج و خورش، هندوانه هم آورده بودند ماست و دوغ را هم سرفسره

را ندادیم هم حریف ترند از سبب هم کثیف ترند. آنها شبی در بغداد پیش حسن البکر هستند و صبح نزد امام خمینی می‌روند و خود را مسلمان وانمود میکنند آنها ما را سرکوب میکنند. من نمیتوانم اسم آنها را بیاورم خودتان تحقیق کنید و بگوئید شیخی که ۱۲ زره دارد بچه‌بازی شیخی که ۲۲ زن دارد و این وجود دست به هر کثافت کاری و فساد هم میزند و مسلح هم هست چگونه میتوانیم با او در بیفتیم و حتی خود را هم اکنون پشتیبان دولت نشان میدهد.

او در آغاز وقتی فهمید که من فارسی هستم حاضر نبود با من صحبت کند فکر میکرد من یک سروان ارتش هستم و برای حاسوسی آمده‌ام بعد که گفتم من هم با اعراب از طرف مادر نسبت دارم کمی در دودل کرد ولی آخر باز هم اعتماد نداشت در حالی که ما با همه عکس گرفتیم، لیکن او حاضر نشد به جمع ما برای عکس گرفتن بیوندد.

ما به آنها اتحاد و همبستگی و تشکیل شوراهای دهقانی را پیشنهاد کردیم و گفتیم که با این اتحاد میتوانند خود را از دولت بخوانند که از خواستهای بحق آنها پشتیبانی کند و بکمک دولت بشتابند و دولت را در کوتاه کردن دست این ظالمان از سرشان یاری کنند. میگفت برادر، ما تا حرف می‌زنیم مارک تجزیه طلبی، اجنبی پرست، خرابکار، ضد انقلابی، یاغی و غیره را بما می‌زنند و اینکار را هم شیوخ که خود صاحب زور و ورانند و از عراق هم اسلحه می‌گیرند میکنند، مردم می‌ترسند.

دیگری میگفت: «کارها حالا درست میشود امام خمینی آمده باید کمی صبر کنیم حقوقمان را بما خواهند داد. رژیم پهلوی بود که بسر ما میزد. امام آمده نامه‌ها را روپراه کند. دیگری می‌گفت: آقا وقتی به شهر می‌رویم چون عرب هستیم ما را تحقیر میکنند. عموما وقتی وقتی مریض داریم به شهر میر

را بازی میکنند». از ما خواهش کردند که یک زن و یک بچه را که مریض‌اند با خود به شهر بیاوریم و با شوق فراوان آنها را با ما دو همراه مرد به شهر آوردیم چند دقیقه‌ای جلوی خانه دیگر برای سوار کردن مریضا منتظر ماندم بچه‌ها آمدند با آنها صحبت کردیم اغلب آنها بمدرسه نمیرفتند یکی چوپانی میکرد و میگفت سواد برای چه؟ چند نفر بمدرسه میرفتند یکی میگفت مدرسه را تمام کرده‌ام و حالا هم مثل بقیه هستم.

با آمدن مریضا ۶ نفری با یک ماشین رنو ۵۰۰ از میان صحرائی پر از خاک و جاده خراب با سرعت ۲۰ کیلومتر راه افتادیم شاید باور نکنید که هر یک حداقل ۲۰۰ گرم خاک خوردیم اما این مردم زحمتکش چقدر خوشحال بودند که اصلا چنین وسیله‌ای پیدا شده که آنها را از ده به شهر بیاورد آنها را به بیمارستان جدید شاپور بردیم و پس از معاینه و تهیه نسخه آنها در شهر به نزد بعضی از آشنایان رساندیم. خیلی از ما تشکر میکردند و از ما میخواستند که حتما یکبار دیگر به آنها برویم و از ما بخاطر کمک ناچیزمان تشکر کنند. وقتی دیدند که ما واقعا جزو آنهایم چقدر آرزو کردند که حتما یکبار دیگر ما را ببینند.

این ناحیه از کمترین امکانات اولیه هم برخوردار نیستند. روحیه‌های بردباری، استقامت، بی‌اعتمادی بدولت، بدبینی در آنها دیده میشود. نمیدانستند که از نظر سیاسی سرنوشتشان کی و چگونه معلوم میشود. میل داشتند که حتما ایرانی باشند و خود را جدا از دیگران نمیدانستند ولی انتظار داشتند که هر چه زودتر دولت هم با آنها توجه کند و حقوق آنها را برسمیت بشناسد. عموما برسمیت شناختن حقوق آنها از مهمترین خواستهایشان بود.



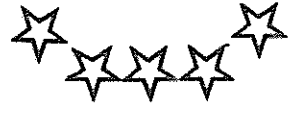
حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی در محکوم نمودن ترور آیت‌الله مطهری که منجر به شهادت ایشان گشت، در سخنرانی خویش به خطا بر قدرت‌ها و فعالیت سازمانهای جاسوسی سیا و کا.گ.ب اشاره کردند.

آیت‌الله منتظری بدنبال توطئه شوم سوء قصد بجان حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی پیامی به ملت ایران فرستادند که در آن آمده است: «پیروزی این انقلاب سرآغاز شکستی رسوا برای ابر قدرت‌های غارتگر شرق و غرب و نویدی بزرگ برای رهایی ملت‌های مستضعف جهان سوم است. امپریالیسم سوسیال امپریالیسم و صهیونیسم مولودنا مشروع این دو، مائشسی را تشکیل میدهند که در برابر همه ملت‌های آزاد و مستضعف جهان قرار دارند».

آقای دکتر صادق طباطبائی معاون وزارت کشور در مصاحبه‌ی مطبوعاتی خود ضمن محکوم کردن توطئه‌هایی که ابر قدرت شوروی در بلوچستان تدارک مینیبند گفتند: شوروی سالهاست که دنبال راهی برای دست‌یابی به آبهای گرم میگردد. آنها میخواهند که از طریق افغانستان و ایجا دآشوب در بلوچستان به این آرزوی خود دست یابند.

دارودسته کیانوری، ایسن کارگزاران امپریالیسم روس در تضاد کامل با ماهیت ضد امپریالیستی انقلاب قرار دارند و "یشتیانی" آنها دروغی بیش نیست، ایسن با اصطلاح "یشتیانی" نقابی است تا چهره‌ی مزدور آنها را بیوشاند. تا آنها خود را در صف خلق جا بزنند و به توطئه‌گری و انحراف جنبش بپردازند.

ما معتقدیم که معیار اساسی برای شناختن دوستان انقلاب با اصطلاح "حمایت ظاهری آنها از انقلاب نیست بلکه معیار واقعی مستقل بودن، ملی بودن و ضد امپریالیست بویژه ضد دوا بر قدرت بودن نیروهای سیاسی است





کنفرانس سندیکای

کارگران نانو ائیهای آبادان

کنفرانس سندیکای کارگران خبازیهای آبادان در روز جمعه ۵۸/۳/۱۸ در محل سندیکا تشکیل گردید در این جلسه عدهای از کارگران سخنرانی کردند. یکی از کارگران در طبعی سخنرانی خود از جمله گفت: ".... این انقلاب متعلق به اقشاری است که در آن شرکت داشته اند و طبقا ما کارگران و زحمتکشان ایران در این انقلاب نقش پراهمیتی را داشته ایم.... اینک که ما کارگران میتوانیم بدون وحشت از ساواک نظرات و خواستههای خود را به مسئولین دولت ابراز کنیم از دولت مستعفی نخواهیم که به خواستههای ما کارگران که برچیدن نظام پوسیده بهره کشی انسان از انسان است پاسخ مثبت دهد." وی سپس سه پیشنهاد به هیئت مدیره سندیکا داد:

- ۱- لغو تمام مکاره های ضد کارگری که در زمان رژیم پهلوی بدون حضور نمایندگان واقعی کارگران بوجود آمده بود.
- ۲- آینه آینه قوانینی که برای کارگران تدوین میشود باید مورد تأیید تمام کارگران قرار گیرد.
- ۳- لغو جدول دستمزد کارگران که در گذشته میان نماینده های کارفرمایان و هیئت مدیره سندیکا تدوین شده بود زیرا در این قرارداد دستمزد کارگران بر اساس فروش هر کیلو نان مبلغ ۲۲ ریال بود پس از آن، طوماری که شامل تمام خواسته های کارگران خبازیهای آبادان بود خوانده و پیشنهاد شد که همه کارگران آنرا امضا کنند تا برای آماج خیمین و اتحادیه ی نانو ائیها بفرستند. در این طومار ۲۸ خواسته نوشته شده بود که مهمترین آنها عبارتند از:
- ۱- رسیدگی به وضع مسکن کارگران.
- ۲- کارفرما حق نداشته باشد کارگر را اخراج کند.
- ۳- کارفرما سالی دو بار به کارگران لباس کار بدهد.
- ۴- یکسره کردن کار و محدود کردن آن به ۸ ساعت.
- ۵- ارسال لیست بیمه همه کارگران نانو ائی از طرف کارفرما و....

گزارشی از

تراکتورسازی تبریز

بعد از بزم رسیدن انقلاب کارکنان و کارگران کارخانه تراکتورسازی تبریز با شور انقلابی بکارخانه بازگشته و شروع بکار کردند و در زمانی که عوامل ضد انقلاب در تبریز اغتشاش بر سر راه انداخته بودند کارگران از کارخانه مثل یک سرما به ملی زجان و دل حفاظت میکردند. در این زمان از مدیران فاسد کارخانه که در گذشته بعناوین مختلف سعی در اعتصاب انقلاب کارکنان، شکنج

کارخانه کاغذسازی پارس هفت تپه را پاکسازی کنیم

گزارشاتی که در زیر میخوانید، همه جوانب مختلفی از یک مسئله هستند: انقلاب سیاسی انجام گرفته و رژیم سرنگون شده، اما هنوز موسسات مختلف تولیدی از عناصر و طرز کار نظام گذشته تصفیه نشده اند و این مسئله اساسی ترین سدرای بریدن وابستگی از امپریالیسم، رشد تولیدات ملی و رفاه زحمتکشان است. این نظام ضد ملی و ضد کارگری گذشته و عناصر وابسته و خادم آن منبع و ریشه اساسی اکثر نابسامانیها در محنه تولیدات صنعتی بوده و امرتوسازی ملی در گرو ایجاد تغییرات وسیع و بنیادی علیه امپریالیسم و برای منافع ملی، علیه استثماریگران و برای کارگران زحمتکش است.

نظر یک کارگر

* آنچه میخوانید، نامه ی یک کارگر این کارخانه است که وضع عمومی را شرح میدهد: "وحدت و یکپارچگی کارگران برای تحکیم دولت موقت تنها زمانی پا بر جا خواهد بود که دولت انقلابی به خواسته های ما قبل از هر گونه پیشامد رسیدگی کند چون واقعا ما تنها حالا صبر و حوصله نشان داده ایم و اگر اینچنین ادامه پیدا کند مطمئن باشید هیچ دردی دوانخواهد شد و هیچ بی سر سامانی، سامان نخواهد یافت. دودستگی و از هم پاشیدگی کارکنان کارخانه، بضرر ملت و دولت موقت است و اینرا کارفرما با خنده می شنود و با خنده پاسخ میدهد، ولی جدی و قاطعانه ما در امر تولید کوشش میکنیم و اتحاد خود را در مقابل مدیریت مودی و ضد انقلابی کارخانه بیشتر و بیشتر میکنیم و هرگز اجازه نمیدهیم نه تولید بخوابد، نه به ما توهین و بی احترامی شود. نزدیک به سه ماه از انقلاب شکوهمند اسلامی ملت ما میگذرد ولی در این کارخانه آب از آب تکان نخورده، هنوز همسایان مفت خورها، هنوز همان روابط و پارتی بازیها، هنوز همان خود شیرینیها و چا پلوس بازیها جریان دارد. تفرقه، و آشفتگی هایی که در هر گوشه مملکت عزیزمان اتفاق افتاده، دودستگیها و ناامنیها که در هر گوشه و کنار مملکت اتفاق افتاده، اتفاقات تاسف انگیز نطقه و خوزستان نمونه های آشکاری از توطئه های ضد مردمی و ضد حرکت اسلامی بوده است. بقیه در صفحه ششم

پای صحبت کارگران

میگفت "من ترا شکارم، هر وقت کار خوب انجام داده ام کسی تشویق ام نکرده، هر وقت کارم را بد انجام داده ام هزارتا آقا با لاسر دارم و نمیدونم چرا اینطوریه؟! ملا شوروشوق کارنداریم و دلسر داریم کارو کارخانه". کارگری از قسمت ریکابوری کارخانه: "چندین سال است اینجا کار میکنم، زمانی که فنلاندیها بودند ما هی ۳ تا ۴ هزار تومان میگرفتند و توقعاتشان نوسا به بود و آبجوی سرد و حلاله خودمون ایرانیها هستیم نوشابه که هیچی، آب یخ هم پیدا نمیشه و بعضی وقتها اونهم با پیگیری". کارگری از قسمت شیمیایی میگفت "برادر ما توقست خطرناکی هستیم با کلر، سود سوزآور و آهک سروکار داریم و بعد از ۵ ماه مریض شدنمون حتمی است و قبلا با شیر میدادند که اثر مواد سمی کمتر شود ولی حالا شیر هم نه تنها خبیری نیست بلکه وسایل ایمنی هم نداریم و همکارش اضافه میکنه، آقا اگر در کارخانه انقلاب نشه، وضع رو برآه نمیشه!". کارگری در قسمت ماشین سازی گفت: "مدیریت و روسا میخواهند کار با خوابا باندولی کور خوانده اند، ما کار می کنیم و آغوش اونها روا زکارخانه بیرون میکنیم، اگر چه تا بستان داره میاید و گرما، رطوبت تو این قسمت زیاد میشود و مجبورم بدون پیراهن کار کنم و شرشر عرق بریزم ولی اجازه نمیدم و آنها که تواتاق کولردار نشسته اند برای ما تصمیم بگیرند و حالاهمه چیز برابرو هر که بحق خودش، نه کم، نه زیاد". از محیط منازل کارگری حرف میزند و میگوید: "وضع خیابان محله مون خرابه، وضع آب منطقه

نامه شورای منتخب

* نامه ی شورای منتخب کارکنان گروه صنایع کاغذ پارس به معاونت فنی استان خوزستان حرکت پیروزمند انقلاب اسلامی ایران تا امروز با مشکلات و مسائل زیادی روبرو بوده است از توطئه های ضد مردمی در گوشه و کنا ر مملکت گرفته تا توطئه های ابرقدرتها در نوارهای مرزی، لذا در این مرحله انقلاب حفظ و تحکیم استقلال کشور مسئله عمده ی انقلاب ایران است و خوشبختانه هم توطئه های رنگارنگ عقیم شده و در آینه نیز با جنگ و دندان اجازه به هیچ میراث خوار استعماری نمی دهیم که زمینه را برای دخالت و نفوذ سیاسی، نظامی، اقتصادی آماده کند. اینجا ست که وظیفه مبرم و عمده ی ما نیز در زمینه اقتصادی با زسازی و توسعه سازی اقتصاد کشور است و تک تک افراد در هر مقام و پست خویش باید کمترین همت بسته و زهرگوشه سوا استفاده در واحدهای تولیدی و کارخانه های این آب و خاک جلوگیری کنند. آری بحران اقتصادی وطن عزیزمان وجود ذالوهای در بخش های دولتی و خصوصی که به نفاق افکنی و اخلاص گری مشغول هستند و لزوم پاکسازی و عمل قاطع انقلابی در مورد افراد بی صلاحیت ما را مجبور میکند از مسئولین امر، استاندار ی و وزارت کار بخواهیم بدردمای برسد و در اینجا شمسه ای از اوضاع کارخانه همراه با خواسته هایمان را برایتان ذکر میکنیم.

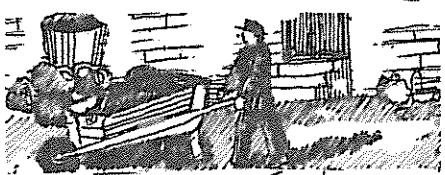
کارخانه کاغذ پارس (سها می عام) شامل دو کارخانه تهیه خمیر از تفاله نیشکر و سه ماشین کاغذ سازی است. نظریه جدید بودن صنعت خمیر و کاغذ، است.

از مدیران فاسدکارخانه که در گذشته بعناوین مختلف در اعتصاب انقلابی کارگران شرکتی میگردند خبری نبود. ولی وقتی که آنها از آسیاب افتاد و سرکلنه این عناصر ضدملی پیدا شد و چون در این موقع شورای متشکل کارکنان بوجود آمده بود مدیران این شورا را سبزرگی در جلوی راه برآورده شدن نقشه های خود میدیدند، شروع به کارشکنی در کار شورا کردند. ولی کارگران آگاه این کارخانه چهره های بوقلمون صفت را خوب تشخیص میدهند و گول حرفهای ضد انقلابیهای قبیل از انقلاب و انقلابی نماهای بعد از آنها را نخوردند و میدانند که آنها پایگاه ارتجاع و امپریالیسم هستند و بهمین خاطر مبارزه بسی امانی علیه عوامل طاغوت را به پیش میبرند و همچنین هوشیارند که این عوامل ایجاد تفرقه میکنند و بهمین جهت بطور متحد طوماری برنگردند و خواستار برکناری مدیر عامل کارخانه که سردهسته مدیران است شدند و مکرراً خواستهای خود را به سازمان کسترش صنایع ایران

مدیران نوکارشکنی آنها خرابتر میشد
 و بالاخره در تاریخ ۵۸/۳/۲۹
 بقیه در صفحه ششم

و ضد حرکت اسلامی بنوده
 است .
 بقیه در صفحه ششم

اعتصاب رفتگران آبادان



روز ۵۸/۳/۱۳ عده ای از کارگران رفتگر شهرداری آبادان و حومه به عنوان اعتراض علیه مسئولین شهرداری دست از کار کشیده و در محل شهرداری آبادان اجتماع کردند. با چند تن از کارگران درباره اینکه چرا اعتصاب کرده اند صحبت کردیم. گفتند: مگر ما انسان نیستیم، ما کارگران شهرداری تحت بدترین شرایط زندگی میکنیم و بخاطر این که با نظافت شهر سروکار داریم اکثر اوقات دچار بیماریهای گوناگون هستیم ولی مسئولین شهرداری کوچکترین توجهی به ما نمیکنند. در زمان طاغوت مبلغ ۷۵۰ تومان به ما اضافه حقوق میدادند و مبلغ ۳۰۰ تومان هم کرایه خانه که امروز از طرف شهرداری آنها را به ما پرداخت نمیکنند. کارگران خواستهای خود را بشرح

درد دل يك كارگر بيكار سنندجی

بگذار يك مقدارى به عقب برگردیم ز روزى كه بيكارى شروع شد. از اين يكى ۵ تومان و از ديگرى ۱۰، ۲۰ تومان قرض گرفتم و با دم هست در مدت ۱۵ روز با زن و بچه ها ي فقط ۲ تومان ماست با نان خوردیم، ماست را آب ميكردیم و با استكان آنرا، جرعه، جرعه مى خوردیم. راستش ما در هم درده از يادم رفته بود، نان را نمك مى زدیم و مى خوردیم مثل مـثل آنها شيكه به مرغ نمك مى زنند. يك روز از گرسنگى خودم و خانواده ام بيحال و بيهوش شديد درست بعد از دو ساعت به هوش آمدم. زبا نم لال شده بود، همسايه ها را با تكان دادن دست خير كرديم همسايه ها آمدند و من فقط ۵ تومان در جيب بوديكى از همسايه ها گفتم كه من ميرم نان ميخرم، من هم ۵ تومان را در آوردم كه به او بدهم قبول نكرد، فقط يادم هست بقيه در صفحه چهارم

فتح اله ميگفت هفت ماه است كه بيكار هستم، يك زن و دو بچه و يك مادر بيردارم. ما درم ۷۵ سال سن دارم و خودم حدود ۲۵ سال. ما درم در روستا ۳۰ كيلومترى غرب سنندج زندگى ميكند. او فلج است و فقط من مى خورم. ما درم در عرض اين ۷ ماه بعلت بيكارى فقط ۳۸ تومان برايش فرستادم، خودم هم يك دستم را از دست داده ام علتش يك مسئله است كه نمى خواهم بگم. قدرتم براى كار كردن كم است ولى آنقدر بيكارى بمن زور آورده است كه حاضرم با همين يك دستم به اندازه يك آدم سالم كار كنم. من تنها براى خودم كار نمى خواهم. شهر سنندج الان حدود ۵۰۰ نفر بيكار دارد، توى قسمت عباس آباد (شرق شهر) ۴۰۰ نفر مى شناسم كه بيكار رند. من براى همه بيكاران دادمى زنم و حاضرم در راه اين كار رگشته شوم.

از محيط منازل كارگرى حرف ميزند و ميگويد: "وضع خيابان محله مون خرابه، وضع آب منطقه خرابه، وضع بهداشت خرابه، وضع دوروبر خونه ها مون خرابه، همماش با تلاق و نيزار، اصلا هيچى تغيير نكرده، شوراي كاركنان هم توجمل مسائل اول با مخالفت رئيس ها روبروشده چه برسه به وضع منازل ورفاه ."

حيف كه نمى تونم اينكار را اول كنم و بروم چون خانواده ام بي نون ميمونه و گر نه بخدا ميرفتم پيش وزير كار، آخه مگر ما كارگرهائى اين كارخونه نيستيم، مگر ما بچه ها مون هم بايد كارگران فقير بشوند؟ اهر كى به هر كى است. اطلاعاتى ها سال است كار ميكند و هـنـسـوز .
 بقيه در صفحه ششم

توطئه در خدمت تفرقه

كارخانه كشت و صنعت شمال (مازندران)

اين كارخانه در ۶ كيلومترى نكا قرار دارد. در اين كارخانه ۷۰۰ كارگر مشغول كار مى باشند كه ۸۰ نفر آنها محلى و از ده "سرم" هستند. كارخانه در زمينهاى اين ده قرار گرفته است. رئيس كارخانه با تكيه بر محلى ها توانسته است بين كارگران دو دستگى و تضاد ايجاد كند و بدین ترتيب مبارزات عمومى كارگران را منحرف كرده و آن را سر كوتب نمايد. بنحوى كه محلى ها به پشتيبانى از او به كارگران ديگر حمله كرده و آنها را مجروح مى نمايند. محلى ها كه در اقليت هستند به ساير كارگران مى گويند شما نبايد در اين كارخانه كار كنيد. اكثريت كارگران كارفرما را قبول ندارند ولى محلى ها مى گويند: نه، ما او را ميخواهيم! از اينرو، كارگران اعتصاب كرده و كار نمى كنند. تا اينكه يك نفر از استاندارى مازندران مى آيد و قول ميدهد كه به اينكار رسيدگى شود و از كارگران دعوت مى كند كه كار خود را از سر بگيرند. كارگران مى گويند: رژيم پهلوى به آنهايى كه حرف حق مى زدند برجسب كمونيست مى زد و

از تفاله نيشكروسه ما شين كاغذسازى است. نظربه جديد بودن صنعت خميرو كاغذ را اين شركت انگليسى (ريد) جهت نصب كارخانه و راه انداختن آن استفاده شد. (چگونگى برنده شدن شركت ريد در مناقصه نيز مشكوك است و با يدمورد رسيدگى قرار گيرد). و با سياستهاى اجنبى پرستى، مديريت كارخانه دروازه ها براى گروههاى انگليسى، كرهائى، فنلاندى، هندى و پاكستانى و آمريكائى نيز باز شد و حدود يكه و نيم سال پيش باب مراوده را با كشور آفريقاى جنوبى باز كردند. كه خوشبختانه از حد فرستادن دوتفر براى مدت چند روزه آنجا فراتر نرفت. ميزان سرمايه اين شركت بقيه در صفحه ششم

حالا كميته ها اينكار را مى كنند و ما را كمونيست يا توطئه گر مى خوانند. ما نمى دانيم چكار بايد بكنيم. ما پيش كسى داد بزنيم. ما از دولت مى خواهيم بقيه در صفحه ششم

اجتماع كارگران كارخانه سيمان نكا

صبح روز ۲۰ خرداد پيش از ۵۰۰ نفر از كارگران كارخانه سيمان نكا مقابل استاندارى مازندران اجتماع كرده و قصد تحصن در محل استاندارى را داشتند. كارگران خواستار بازگشت نماينده هاى بازداشتى خود و اخراج مدير كارخانه و اعزام يك مدير انقلابى بجای او بودند. تعدادى از كارگران دست در دست هم داده و حلقه زنجيرى بدور بقيه درست كرده بودند تا زورود افراد گروههاى ديگر بداخل صفوف كارگران جلوگيرى نمايند. كارگران مى گويند: ۴ ماه است كه ما نماينده انتخاب كرده ايم و در اين مدت با مدير كارخانه سيمان گرگان در حال مبارزه بقيه در صفحه ششم

* استعمار نو

آنها این نوکر را حمایت میکردند که بر کشوری حکومت کند، نوکر هم در عوض به اربابهایش اجازه میداد که کشور را غارت کنند. مثال روشن این کار امپریالیستها حکومت رضاخان بنمایندگی انگلیس و حکومت محمدرضاخان بنمایندگی آمریکا بود.

اما حفظ حکومت‌های استعماری نوین زیاد آسان هم نیست. چون جنبش‌های خلقی جهان از چند ده سال پیش سریعاً رشد کرده و خیلی آسان هم نمیشود یک نوکر را در این کشورها برسر قدرت نگاه داشت، تنها راه چاره فریب دادن خلقی این کشور است. یعنی امپریالیستها سرمایه‌داری که استعمارگران کنونی هستند باید راهی پیدا کنند که مردم مستعمرات نوین را گول بزنند. این گول زدن تا بحال اشکال خیلی متفاوتی بخود گرفته. مثلاً در کشور ما میخواستند محمدرضای جلاد را بعنوان یک رهبر انقلابی و یک آدم بسیار مرفعی جا بزنند و در این رابطه بیش از ۱۵ سال تبلیغ کردند. در دوره آلمان نازی وقتی امپریالیستها آلمان بر بیشتر اروپا مسلط شدند یک تز آوردند که بآن نام "نظم جدید" دادند. یعنی اینکه برای حفظ اروپا و بشریت به یک نظم نوین احتیاج است به رهبری آلمانی "آریائی نژاد" (فاشیست‌های ژاپن در همان زمان تعدادی از کشورهای آسیائی را اشغال کردند و بعد از ایجاد دولت‌های دست‌نشانده در آنجا تز "راه مشترک منطقه" بزرگتر آسیای شرقی" را آوردند. یعنی اینکه برفع تمام این کشورهای اشغالی است که زیر پرچم ژاپن با هم متحد شوند. همین سیاست را هم ایالات متحده آمریکا سالهاست بنام دیگری دارد اجرا میکند. عنوانی که امریکائیها بآن داده‌اند ملحق شدن دلبخواه ملت‌ها به ایالات متحده است. مثلاً در سال ۱۳۲۷ جزایرها وایی را که مردم آن هیچ وجه مشترکی با امریکائیها نداشتند، با اسم اینکه مردم خودشان خواسته‌اند، بعنوان "یکی از ایالت‌های آمریکا" باشند جزو خاک آمریکا کردند. همین بلا را هم بسر مردم آلاسکا که اصلاً اسکیمو هستند و کوچکترین وجه تشابهی با امریکائیها ندارند آوردند. و حالا چندین سال است که می‌خواهند پرتوریکو را هم که مردمش اسپانیائی هستند بزور وادار کنند بامریکا "ملحق" شود! بهانه این امپریالیستها برای مطرح کردن این تزه‌های تجاوزکارانه چیست؟ اساساً اینست که چون کشورهای دیگر کوچک هستند، بتنهایی قادر نیستند بطور همه جانبه صنعتی بشوند. و از طرف دیگر چون کشورهای دیگری هستند که زودتر صنعتی شده و همه کالاهای مورد نیاز را باخرج نسبتاً کم تولید میکنند (یعنی خودشان) پس دیگر نیازی هم به صنعتی شدن کشورهای کوچکتر نیست! تنها کاری که دو طرف باید بکنند اینست که با هم ادغام بشوند. آنوقت کشور صنعتی نقش یک شهر را پیدا میکند و کشورهای غیر صنعتی نقش دهات اطراف آنرا. روابطشان هم بهمان صورت شهرو ده در می‌آید یعنی بطور عمده تبادل کالاهای صنعتی از طرف کشور بزرگ با مواد خام و محصولات کشاورزی از طرف کشورهای کوچکتر. این حرف را "جان فاستر دالین" وزیر خارجه اسبق آمریکا در مقاله‌ای که تحت عنوان "مقابله و عکس‌العمل در سیاست آمریکا" نوشته، رک و راست مطرح کرده است.

حالا ببینیم مارکسیست-لنینیست‌ها در این رابطه چه میگویند. در کنگره ششم بین الملل کمونیست که با شرکت کلیه احزاب کمونیست در سال ۱۳۰۷ (۱۹۲۸) تشکیل گردید به مسئله بهبود وضع اقتصادی کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره (گرفتار استعمار نو) جواب داده شد. در یکی از تزه‌های این کنگره میخوانیم که "رشد اقتصاد ملی مستعمرات، بخصوص صنعتی شدن آنها یعنی تکامل مستقلانه همه جانبه صنایعشان، تنها آراه شدیدترین مبارزه با سیاست امپریالیسم می‌تواند انجام برسد" (تاکید از ما است) این تز در واقع دو حرف را میزند: یکی اینکه رشد اقتصاد ملی مستعمرات بمعنی تکامل مستقلانه و همه جانبه صنایع آنهاست و نه توقف رشد صنایع آنها و تبعیت آنها از یک کشور

رنجبر

گفتگوئی با آق ملاطالب

اوقبل از تبعید شدن یک مدرسه ۴ کلاسه در بندر ترکمن و ۲ مدرسه ۶ کلاسه در قزاق محله‌گران و گنبد ساخته بود. حال برای اینکه بیشتر با نظرات ایشان آشنا شویم زندگی اش را از زبان خود او بشنویم:

"رژیم طاغوت از اینکه من دارم برای مردم خدمت میکنم وحشت داشت و بخاطر اینکه من را از آنها جدا کند و بی سرپرست بگذارد و حقوق آنها را پامال کند من را به فارس تبعید کرده، در زمان طاغوت ما را تحقیر میکردند تا جائیکه حتی اسم و نژاد ما را هم عوض کردند و ما را بنام "بلیش" صدا میکردند. این نام در فرهنگ ما معنی زشت و زننده دارد در حالی که ما قزاق هستیم. برای ما هیچگونه رزنی قائل نبودند و هیچ کاری برای قزاق‌ها نکردند هرگاری در این محله‌ها شده از طریق خود مردم شده. من بخاطر اینکه وجدانم را نفروختم، مردم را نفروختم تبعیدم کردند می‌امافراد تحصیل کرده کم است آنها مردمان زحمتگشی هستند منتها در بدترین شرایط زندگی میکنند. من هنوز تا بحال نتوانسته‌ام از دواج کنم و هنوز هم فاقد یک در با طاق هستم. من در سالهای ۴۶ - ۴۵ توانستم مقداری وام جهت دامداری برای قزاق‌ها بگیرم ولی آن کافی نبود هم اکنون جوانان قزاق، احتیاج به زمین ورزش، احتیاج به تفریحگاه دارند آنها فاقد هرگونه وسایل ورزشی هستند. ما همه مسلمان هستیم و از اسلام دفاع میکنیم و از اینکه انقلاب اسلامی در ایران شده ما خوشحالیم و متأسف برای برادران مسلمانیکه در روسیه هستند زیرا آنها در اسارت هستند و آزاد نیستند دولت شوروی آنها را با سارت کشیده آنها را نمیگذارد به مناطق مختلف مسافرت کنند زیرا که آنها بخاطر همین آزادی ما به جمهوری اسلامی رای دادیم. ما باید متحد باشیم، حرف رهبریمان را بپذیریم، دولت شوروی در دنیا وجود دارد که کشورهای دیگر را به استعمار خود در می‌آوردند یکی آمریکا یکی شوروی. اینها سیاست بازی میکنند آن کشوری که

قم و خود همین حرکت هم همبستگی ماست با امام خمینی و انقلاب اسلامی. بخاطر همین میگویم من دوست ندارم برگردم شوروی و حتی حاضر نیستم در اقلیت‌های مسلمان آنجا زندگی کنم. ما در ایران خود مختاری نمیخواهیم ما از دولت میخواهیم که فقط به خواستهای رفاهی ما برسد مشکل ما هم اکنون زمین زراعتی است و کارهای عمرانی، ما هم باید مانند دیگران پیشرفت و ترقی کنیم و از شما میخواهم این پیام من را در نشریه‌تان منعکس کنید. باید دولت با عدالت رفتار کند و به ندای خلقها رسیدگی کند. دولت برای خودش دشمن بیشتر نکند. بنظر من کسانی که زیاد خیانت نکرده اند را کمی بحال خودشان بگذارد، تفرقه کمتر خواهد شد پیام من متحد شدن است چه ملت چه دولت چه قزاق چه غیر قزاق همه باید وحدت را حفظ کنند. این بنفع کشور است. مردم از دولت و امام خمینی پشتیبانی کنند و صبر کنند و عجله نکنند که دولت کاری برای ما نکرده، اینها همه وقت می‌خواهد. هر نوعی ضررش اول میرسد، نفعش بعد. دشمن در کمین هست مردم را تحریک میکند، ما بین شیعه و سنی تفرقه میانند از خودشان تماشاچی و بیامی می‌کنند اگر متحد باشیم، دشمن خاموش و نابود خواهد شد. هر کاریکه انجام میدهند چه دولت چه ملت شوروی و مشورت با یارها سلام را ترک نکنند حرف ابرقدرتها را گوش نکنیم وقتی متحد باشیم دشمن نمیتواند نفوذ کند."

پیامش را با احساسی خاص بیان میکرد. زمانی که با او از کوجه های قزاق محله میگذشتیم برای اش احترامی خاص قائل بودند و حتی روی دیوارهای محل گشاه از زمان طاغوت بجا مانده است نوشته بودند "آق ملاطالب العلم پیروز است - مزین نابود است، او ما دقانه و ساده حرف می‌زد میخواست هر چه در دل دارد از مردمش که تحت ظلم و ستم بوده اند برای ما بیان کند. در زمان طاغوت هر وقت ما به منازل مردم میرفت، از طرف رژیم طاغوت مردم را تحت تعقیب قرار میدادند و کتک میزدند او از انقلاب اسلامی و اینکه مردم را از یوغ امپریالیسم آزاد کرده بسیار می‌گفت. آنروز هم بسیار

میخواهیم در همه جا با این نام معرفی شویم ما میخواهیم کارهای نیک ما را بنام خودمان تمنام شود. ما مدافع انقلاب اسلامی هستیم ما اولین خلقی بودیم که در تاریخ ۵۷/۱۱/۲۸ تلگرافی جهت همبستگی با رهبر عالیقدر آیتاله روح الهالموسوی -

الخمینی ارسال داشتیم. ما از خواستهای بحق خلق قزاق پشتیبانی کرده و امیدواریم با هدایت رهبرانی چون آق ملا طالب العلم و در وحدت با جمهوری اسلامی قدم بقدم بسوی آینده‌ی تابناک خود گام بردارند.

* در خند يك ...

بزور این حمله را به او گفتیم من گدا نیستم.

بالاخره ۵ تومان را به او دادم همسر هم به هوش آمده بود هر دوی ما و همسایه‌ها فکر کردیم که بچه‌های ما مرده‌اند. همسر زد توی سرش و گفت فتح اله ما که پول دفن اینها را نداریم و هر دوی ما مرگمان را از خدا خواستیم.

راستی این پول و نام دولت بدردمی خورد، ما که گدا نیستیم تا از دولت گدائی بکنیم. ما کسار می‌خواهیم و شرفمان اجاز نمیدهد دست بسوی کسی دراز نکنیم و شورای شهر هم قدرتی ندارد. دولت اگر مسئله بیکاران را حل نکند حال که نوکران شاه بیرون نرفته، این نوکرها از این بیکاری سوء استفاده می‌کنند و ممکن است دانه برای ما بپاشند. همچنانکه الان میگویند، بعضی نوکران شاه سابق در عراق هستند و پول میدهند که ما برویم آنطرف، ولی ما و آنها نیکه با شرف با شدند می‌روند زیرا اگر سگی بهتر از زبیرشرفی است. نه آقانه، ما نوکری نمی‌کنیم.

از این هرج و مرج هم ناراحت هستیم، غروب که میشود عده‌ای بی مسئولیت شروع میکنند بپیرون تیراندازی و مردم جرات بیرون رفتن ندارند و اگر کسی مریض باشد نمی‌تواند خودش را راضی کند که بیرون بیاید، این تفنگها باید از دست افرادی مسئولیت جمع بشود و دولت باید به این خواسته‌ها توجه بکند.

کار برای همه بیکاران چه روستائی و چه شهری. مزد روزانه با این خرجهای گران، ۸۰ تومان البته با این بیکاری با ۶۰ تومان

است) این تز در واقع دو حرف را میزند: یکی اینکه رشد اقتصادی ملی مستعمرات بمعنی تکامل مستقلانه و همه جانبه صنایع آنها است و نه توقف رشد صنایع آنها و تبعیت آنها از یک کشور صنعتی بزرگ. و دوم اینکه انجام اینکار تنها از راه مبارزه قاطع با امپریالیسم امکان دارد و نه از طریق کنار آمدن با آن و یا وابستگی و تبعیت از آن. بر پایه همین تها بود که استالین هم در کتاب خود بنام "مسائل اقتصادی سوسیالیسم" تاکید میکند که کشورهای دموکراسی توده‌ای (یعنی کشورهای اروپای شرقی که بتازگی آزاد شده بودند) باید چنان از نظر اقتصادی رشد کنند که بعد از مدتی نه تنها احتیاجی به وارد کردن کالا از کشورهای صنعتی دیگر نداشته باشند بلکه مازاد تولید خود را بخارج صادر نمایند. بهمین منظور هم در زمان استالین "شورای کمکهای متقابل اقتصاد" با شرکت شوروی آلبانی، بلغارستان، جمهوری دمکراتیک آلمان، لهستان، رومانی، چکسلواکی و مجارستان در سال ۱۳۲۸ تشکیل شد. در نتیجه کوششهای زیاد "استالین" تولید صنعتی کشورهای اروپای شرقی در طی چهار سال (۱۳۳۲-۱۳۲۸) بیشتر از دو برابر گردید.

مادرشماره‌ی آینده درباره‌ی استعمار نوین روسیه صحبت خواهیم کرد.

استعمار خود در میا و رند یکس آمریکا یکی شوروی. اینها سیاست بازی میکنند آن کشوری که سیاست آنها را قبول دارد استعمار میشود و آن کشوری که حرف اینها را قبول ندارد، استقلال خواهد داشت. شوروی هم تجا و زگراست. چه حقی داشته که به ویتنام تجا و زگند؟ مگر شوروی به آنگولا، زقییر، تجا و ز نمیکنند و اسلحه نمیفروشند؟ مگر اینها تجا و ز نیستند؟ پس معلوم میشود طبیعت آنها ظلم هست زیرا عقرب طبیعتش نیش زدن است. اسلام زمانیکه جائی پیروز میشود مثل اینکه ما پیروز شده ایم و اگر ضربه بخورد ما ضربه خورده ایم این احساس من است ما با انقلاب اسلامی اعلام همبستگی داریم و رفتن ما هم به

اوازا انقلاب اسلامی و اینکه مردم را از یوغ امپریالیسم آزاد کرده بسیار میگفت. آنروز هم بسیار خوشحال بنظر میآمد که فردا پیش بدیدار امام خمینی میرفت یکقطعه عکس خود را جهت چاپ در "رنجیر" بپردازد. بعد از اینکه از ملاقات با امام خمینی در قم بازگشت بسیار خوشحال بود و از اینکه گداشته بودند حرفش را بزنند و خواسته‌های قزاقها را با زگونما دید راضی بنظر میآمد. خواسته‌های قزاقها همان ساختن خانه برای مستضعفین دادن وام بانها و زمین زراعتی بود ضمنا اواز یک چیز انتقاد میکرد و آن معرفی کردن قزاقها در رادیو تلویزیون بنام ترکمن. او میگفت: ما ترکمن نیستیم ما قزاقیم ما

روستایی و چه شهری. مژد روز است که با این خرجهای گران، ۸۰ تومان البته با این بیکاری با ۶۰ تومان هم میشود سرکار رفت ولی کمتر از این نمیشود. خانه سازی برای کارگران الان من توی یک زیرزمین مرطوب زندگی میکنم، خانه من حیاط ندارد، فقط یک زیرزمین است آنقدر مرطوب است و گار زدا رد که نزدیک است خفه شویم. بچه‌ها هم زرد شده اند.

دفترچه خوار با روبیمه. در سال یکماه مرخصی داشتم با ششم آخر ما هم آدم هستیم. صبح زود که بچه‌ها بمان خوابند می‌آیم بیرون و عصر خیلی خسته هستیم و اصلا حوصله صحبت کردن با خانواده ما نماند برای آموزش و پرورش، باید برای بچه‌ها بمان امید با شد و دولت زندگی آنها را تا من کند و بچه‌ها مجبور نباشند، هم کار بکنند و هم تحصیل.

* درباره نوسازی ...

مالکیت فردی دهقانان و صنعتگران بود. در گذشته روشنفکران برای امرار معاش خود را با به سه پوست اول یا به دو پوست دوم، می‌جسبانند و به آنها وابسته بودند. آیا این پنج پوست هنوز وجود دارند؟ پوستها از بین رفته اند. امپریالیسم رفت و اموالش مصادره شده است. مالکیت فئودالی نابود شده و زمین به دهقانان بازگردانده شده و ثعانونیهای کشاورزی تشکیل شده اند. مونسات سرمایه داری بوروکرات، ملی شدند. صنایع و بازرگانی سرمایه داری ملی به مونسات مشترک دولتی - خصوصی تبدیل گشته و عمومیا، گرچه نه کاملاً، به موسسات سوسیالیستی بدل شده اند. مالکیت فردی دهقانان و صنعتگران به مالکیت جمعی تبدیل گردیده است، گرچه این نوع مالکیت هنوز تحکیم نگردیده و چند سال دیگر وقت لازم دارد. این پنج نوع پوست دیگر وجود ندارند، اما هنوز دارای اثرات دیرپائی بر "مو" یعنی سوسیالیسم روشنفکران هستند. این آدمها نمیتوانند این پوستها را از خود دور سازند، و در خواب هم دست از

سر آنها برنمی‌دارند. آنهائی که از جامعه کهن و محافل گذشته می‌آیند دلشان برای عادات و روشهای زندگی قدیمشان تنگ شده است. از این روست کسه دگر گونی انسان زمان بسس طولانی تری میطلبد.

هم اکنون روشنفکران خود را به چه پوستی می‌جسبانند؟ به پوست مالکیت عمومی، به پرولتاریا، چه کسی زندگی آنها را فراهم میکند؟ کارگران و دهقانان. روشنفکران آموزگاران هستند که بوسیله طبقه کارگر و مردم زحمتکش برای تدریس کودکانشان استخدام شده اند. اگر برخلاف خواست کارفرمایان خود گام بردارند و در تدریس یک رشته مطالب دلخواه خود، چون تدریس نوشتن الگووار، کلاسیکهای کنفیسیوس و مخرقات سرمایه داری اصرار ورزند و مثنی ضد انقلابی تحویل جامعه دهند، آنگاه طبقه کارگر اینرا تحمل نخواهد کرد. آنها را بیرون کرده و سال بعد قرار دشمنان را تجدید نخواهد کرد.

همانطور که صد روز پیش اینجا گفتم روشنفکران جامعه کهن اکنون بدون پایه اند، آنها پایه اجتماعی و اقتصادی سابق خود، یعنی پنج پوست را از دست داده اند و چاره دیگری جز جسدان خود به پوست حدیث

ندارند. بعضی روشنفکران هنوز جا نیفتاده اند، در هوا معلق هستند، نه چیزی در بالا برای آویزان شدن دارند، و نه زمین سفتی در زیر پا دارند. میگویم این آدمها را میتوان "آقایان در میان هوا" نامید. پرواز کتان در میان هوا میخواهند به عقب بازگردند اما نمی‌توانند، چه در می‌یابند که خانه های قدیمشان آن پوستها، از بین رفته است. آنها گرچه اکنون بی خانمانند، اما هنوز مایل به جسدان خود به پرولتاریا نیستند. اگر بخواهند به پرولتاریا بچسبند، باید به مطالعه عقاید پرولتاریا بپردازند، برای پرولتاریا قدری احساسات داشته باشند و بسا کارگران و دهقانان دوستی برقرار نمایند. اما نه، آنها نمی‌خواهند آنها هنوز هوس چیزی را دارند که میدانند از بین رفته است. حالا ما داریم آنها را ترغیب میکنیم که از خواب بیدار شوند. فکر میکنم پس از این مباحثه بزرگ آنها بنوعی بیدار شوند.

آن روشنفکرانی هم که یک موضع بینابینی اتخاذ میکنند باید بیدار شوند و اینقدر از خود راضی نباشند، زیرا ادانشان محدود است. من میگویم این آدمها روشنفکران دودر عین حال روشنفکر نیستند، شاید نیمه

روشنفکر کلمه مناسبی باشد. چه آنها فقط قدری دانش دارند و در مورد مطالب اصولی نمیتوانند دهان خود را بدون اشتباه کردن باز کنند. بیاید روشنفکران راست را کنار بگذاریم چونکه ارتجاعی هستند. مشکل روشنفکرانی که موضع بینابینی میگیرند، نوسان است، آنها سمت روشنی ندارند و برخی اوقات حتی صبر و تحمل خود را هم از دست میدهند. اگر شما معلومات چنین عظیمی دارید، پس چرا مرتکب اشتباه میشوید؟ اگر شما آنقدر عالی و از خود راضی هستید، چرا نوسان میکنید؟ یک دسته علف بر فراز دیوار داما با باد به چپ و راست خم میشود. اینها همه نشان میدهد که شما زیاده میدانید. در این رابطه، ایسن کارگران و نیمه پرولترهای میان دهقانان هستند که خیلی میدانند. آنها با یک نگاه میتوانند بگویند که سون تا - یو و متاعش قلبی است. میبینید چه کسی بهتر میدانند بدون شک آن کسانی که بزحمت میتوانند بخوانند و بنویسند بهتر میدانند. هر موقع اتخاذ تصمیمات حیاتی در مورد اوضاع در مجموع و سمت گیری عمومی لازم است، باید به نزد پرولتاریا رفت. من از آن نوع افرادی هستم که قبل از انجام

هر کار مهم یا اتخاذ تصمیمی در مورد مسائل مهم، با کارگران و دهقانان مشورت میکنم. بسا آنها و کادرهایی که به آنها نزدیکند صحبت و بحث میکنم تا ببینم که آیا عقاید درست است یا نه. این امر با دیدن مناطق مختلفی را ضروری میسازد. باقی ماندن در یکن نمیتواند مهلک باشد. پکن جای لم یزرعی است، نمیتوانید هیچ ماده خامی بدست آورید. تمام مواد خام از کارگران کمیته مرکزی حزب کمونیست چین را میتوان به یک کارخانه تبدیل کننده تشبیه کرد که ماده خام را بکار میگیرد و محصول تولید میکند. محصولات تمام شده باید خوب باشد، والا اشتباه رخ میدهد. دانش واقعی در میان توده‌هاست. حل صحیح تضادهای درون خلقی به چه معناست؟ به معنای مستحوی حقیقت از میان واقعیات و دنبال کردن مشی توده ای. در تحلیل نهائی این مشی توده ای است که بحساب میاید. ما نباید خود را از توده ها جدا سازیم. رابطه ما با توده‌ها رابطه ماهی با آب یا رابطه شناگر با آب است.



در روستاها

خواستهای دهقانان خلق عرب در بند عظیم (شوشتر)

رژیم طاغوتی ضد خلقی پهلوی برای وابسته کردن هر چه بیشتر مردم مابه ابرقدرتها بخصوص ابر قدرت آمریکاسمی مینمود با انجام برنامه‌های به اصطلاح عمرانی و صنعتی، کشا ورزی سنتی ما را بکلی نابود ساخته و دهقانان را آواره نموده و بصورت کارگر ساده مصرف کننده محصولات کشا ورزی درآورد. اکنون که دولت خواهان با سازی کشاورزی و بی نیاز نمودن مملکت از محصولات کشا ورزی کشورهای خارجی میباشد لازم است توجه جدی به خواستهای دهقانان آواره شده و آنها را در امر با سازی کشا ورزی و تامین خدمات رفاهی یاری دهد.

در زیر ما بعنوان دفاع از خواستهای دهقانان اقدام به درج نامه سرگشاده دهقانان "بند عظیم" به سازمان آب و برق غوزستان مینمائیم. باشد که مسئولین مربوطه در این مورد اقدام حدی نمایند.

سرپرست محترم سازمان آب و برق خوزستان:

مدت چهار سال است زمینهای مزروعی ما دهقانان قریبه بند عظیم که سالیان سال تنها توسط عمال مزدور رژیم سرنگون شده پهلوی با جبر و فشار در مقابل پرداخت مبلغ بسیار ناچیز تصرف و در اختیار شرکت کشت و صنعت گارون قرار گرفته است.

این عمل رژیم طاغوتی پهلوی نه تنها کشا ورزی سنتی و دامداری را در این منطقه از بین برد و ما را بصورت مصرف کننده محصولات کشا ورزی درآورد بلکه تنها منبع درآمدمان نیز از بین رفت.

پس از خلع ید روستائیان این قریه از زمین های خود تعداد کمی از ما توانستیم در شرکت کاشی میباش که نام خود

خمینی بیروز گشته ماددهقانان قریه بند عظیم خواهان شرکت فعال در امر نوسازی و احیاء کشا ورزی در زمینهای خود مینمائیم و جهت اجرای این امر خواستهای بحق خود را بدین صورت به اطلاع سرپرست محترم آب و برق میرسانیم که در این مورد دستور مقتضی ما در فرمایند:

۱- پس دادن زمینهای تصرف شده و تقسیم مجدد آن: نظر باینکه زمینهای ما اکثر ادر حال حاضر زیر کشت نیشکر می باشد و یا روی آن شهرک سازی شده (شهرک نی آباد) سازمان آب و برق به دو طریق میتواند این مشکل را حل نماید. اول اینکه زمینهاییکه زیر کشت نیشکر می باشد به دهقانان بند عظیم بطور عادلانه و با در نظر گرفتن اینکه زمینها قبلا متعلق به این افراد بوده اجاره داده شود و دهقانان مسئولیت کشت نیشکر و آبیاری آن را با نظارت متخصصین فنی مربوطه به عهده بگیرند و دوم اینکه معادل زمینهای غصب شده از طرف شرکت کارون به دهقانان زمینی در نزدیکی بند عظیم واگذار نمایند.

۲- وام طویل المدت و تحویل وسائل کشا ورزی به دهقانان و کمک فنی

۳- تامین آب آشامیدنی: همانطور که در بالا ذکر گردید، آب آشامیدنی اهالی از رودخانه شو ر تامین میگردد که توسط فاضل آب "نی آباد" و آب شور زمینهای زیر کشت نیشکر آلوده گردیده که قابل استفاده نمیباشد. لازم به تذکر و پیشنهاد است که تا مین آب آشامیدنی بند عظیم بطور خیلی ساده و با هزینه بسیار کم میشود از شهرک نی آباد تامین گردد که فقط احتیاج به کمک بسیار کم از قبیل لوله و اجازة انشعاب از شهرک نی آباد را دارد. تا مین آب آشامیدنی از راههای

رنجبر

مشکلات و درخواستهای چوپانان قشقایی



نامه زیر از طرف چند نفر از افراد زحمتکش ایل قشقایی در مورد مشکلات و خواستهای چوپانان زحمتکش ایل بدست ما رسیده است:

" ما فرزندان چوپانان ایل قشقایی، فرزندان عقرب افتاده ترین، محرومترین طبقه ایل از دولت موقت انقلابی اسلامی و زعیم عالیقدر امام خمینی میخواستیم تا بشرح حال زندگیمان گوش داده و ما و خواهران و برادران حال و آینده مان که از دست افراد شرور ایل که بوضع اسفناکی پدران و مادرانمان را استثمار نموده و بعنوانی آنها را زیر چنگال خون خوار خود اسیر کرده و بصورتهای مختلف بنده خود نموده و کدخدایکمانند، رها سازد.

اکنون بطور مفصل از وضع بدبختی یک چنین خانواده ای و قلدی یک چنین استثمارگرگان شما را در جریان میگذاریم.

یک خانواده چوپان ایلی همیشه بخاطر حفاظت از دامها در میان کوهها و دره ها در صحرا، بیابانها و دشتها و در وسط جنگلها، بری از هر نوع حقوق اجتماعی حتی مواد اولیه حیاتی (آب و نان وغیره) سرگردان است. یعنی اگر بطور نسبی میزان بیسوادی در ایران ۷۵% در سطح کل کشور باشد، یقین بدانید که در این قشر مردم ۹۹ درصد و اگر کمبود بهداشت ۸۰ درصد باشد در این قشر صد درصد وغیره که از شمارش کمبودها خودداری مینمائیم. همانطوریکه ذکر شد، نه اینکه این افراد فقط از درد بیسوادی، بی درمانی و بی خیری از هر نوع اتفاقات در مملکت مینالند، بلکه در بعضی از مواقع نوشیدن یک لیوان آب طبیعی هم غیر میسر میگردد. امکان آن دارد سؤال گردد که با توجه به شکوه های فوق از کجا ما میتوانیم یکمرتبه از برکت آزادی که تحت رهبری امام خمینی و همت خلق مسلمان ایران بدست آمده مستفید شده و یکمرتبه از وضع خودموطنیان

خواست دهقانان

« سگان » (سر پل ذهاب)

"سگان" نام یک آبادی است، در یکی از مناطق ایل نشین غرب ایران. این ده در نزدیکی شهر "سر پل ذهاب" نزدیک یادگان قلعه شاهین قرار گرفته است. اهالی این ده از ایل کلهریکی از ایلات بزرگ منطقه غرب کشور میباشد.

در روز ۵ شنبه سوم خرداد حوالی ساعت ۲ بعد از ظهر اهالی این ده مورد هجوم گروهبانان (در حدود ۲۰۰ نفر مسلح) قرار میگیرند. در این حمله ۶ نفر از روستائیان کشته و تعداد زیادی از اهالی زخمی میگردد و بیش از هزار رأس گوسفند متعلق به اهالی ده بغارت برده میشود.

گزارش بالا را که یکی از جوانان مبارز روستائی در این منطقه برای ما فرستاده نمونه یکی از دهها فعالیت خرابکارانه اش را در عنا صرخه انقلاب و تحریک شده در مناطق غرب ایران است که هر بار با چپاول سرمایه ناچیز روستائیان ستم دیده این منطقه گردنشین از خاک میهن ما، دهها کشته و زخمی بجای میگذارد و دهها خانواده بی پناه روستائی را بی سرپرست میکند. این گزارشگر جوان ما می نویسد: اهالی مناطق غرب ایران که سالیان در زحمت وحشیانه ترین استثمار قرار داشته و مهلکترین ستمهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در حق آنان اعمال گردیده، امروز کوچکترین حق و بزرگترین خواستشان از ثمره انقلاب اسلامی در میهنمان که با خون جوانان نشان با رور گردیده و از رهبری انقلاب و دولت موقت جمهوری اسلامی، ایجاد امنیت در این منطقه است. خواست آقای بازرگان در سرکوب سردستانان اشرار که از طرف روستائیان شناخته شده اند، به آنان کمک و یاری شود.

پشتیبانی از روستائیان و دهقانان ستم دیده در سرکوبی اشرار و عوامل فدا نقلابی وابسته

این قریه از زمین های خود تعداد کمی از ما توانستیم در شرکت کارون و یا شرکت های خصوصی منطقه بطور روزمزد استخدام شویم و نظرباینکه شرکت های خصوصی منطقه یا کار خود را تعطیل نموده اند و یا در شرف اتمام کار هستند در نتیجه تعداد زیادی از دهقانان بخصوص افراد مسن بیکار هستند. ضمناً آب آشامیدنی ما سالیان دراز از رودخانه شور تامین میگردد ولی اکنون فاضل آب شهرک "نی آبا" در شرکت کارون و شور زمینیهای زیر کشت نیشکر آب این رودخانه را آلوده نموده است و دهقانان مجبورند از فاضله چند کیلو متری آب خود را تامین نمایند.

اکنون که انقلاب شکوهمند اسلامی ما بهمت و جانفشانی اکثر قریب به اتفاق خلقهای ایران و تحت رهبری زعیم عالیقدر امام

از قبیل لوله و اجاره انشعاب از شهرک نی آبا در آراد، تا مین آب آشامیدنی از نیازهای مبرم دهقانان این قریه میباشد که لازم است سازمان آب و برق به آن توجه جدی نماید و از طرفی خود دهقانان در این مورد تمام سعی و کوشش خود را چه از نظر کاروجه از نظر مخارج لوله کشی خواهند نمود.

۴- میتوان برق مورد نیاز اهالی را با هزینه بسیار کم از پستهای برق فرعی شهرک "نی آبا" تامین نمود

۵- استخدام افراد بیکار قریه در شرکت کارون و یا سایر سازمانها.

۶- کمک در امر ساختمان مسجد و حمام و مدرسه

۲۵ خرداد ۵۸

با تقدیم دروهای فراوان دهقانان قریه بند عظیم

*** تهاجم فئودالها ...**

و اردعمل شود. ما در رنجبر شماره ۸ هفته سوم اردیبهشت نوشتیم محمد ضراغی یکی از آنها شکی است که با کمک عده ای از مالکین بزرگ افراد مسلح خود را همراه پسرش فرهاد داداشته که در ده "شش بلوکی" درگیر شوند و همچنین با تراکتور خود مزارع سیزدهقانان را در ده "رضا آباد" شخم زده است. عده ای از افراد "شش بلوکی" به طرفداری از دهقانان ستم دیده برخاسته اند و احتمال درگیری مسلحانه میرود. آنچه را که ما در حدود یک ماه ونیم پیش در مورد محمد ضراغی و پسرش نوشتیم متاسفانه به حقیقت پیوست حقیقتی که اینبار بیش از شش کشته و چندین زخمی بهمراه داشت.

جریان از این قرار بود که محمد ضراغی فئودال ضد انقلابی و پسرش فرهاد اکثر زمینهای رضا آباد پس از آبا در فاضله ۱۷۴ کیلومتری شیراز را که متعلق به دهقانان بوده در سالهای حاکمیت رژیم سابق بتصرف خود

ایران بدست آمده مستفید شده و یکمرتبه از وضع خود هموطنان دیگرمان را مطلع ساخته و از آنها و رهبر عالیقدر انقلاب طلب یاری نمائیم؟ جواب بسیار صریح و روشن است، با وجود خفقان گذشته فرزندان خلف خلق از هر طبقه ای بخصوص طبقه کمپی مرفه تر از ماها هم وجود داشتند که بر

مردم رابه گلوله میندند و در نتیجه دونفر کشته و چندین نفر زخمی میگردند.

نبرد تا شب ادامه داشت جمعه تا حدودی آتش بس برقرار بوده و دوباره از شب زود خورد شروع میشود در این فاصله ضراغی عده ای تفنگچی دیگر از زمینها در سلیمان ۴۸ کیلومتری محل به رضا آبا در میآورد در طول درگیری روز شب چهار نفر دیگر کشته و تعداد زیادی زخمی میشوند.

دهقانان با کمک "شش بلوکی" ها موفق میشوند آنها را فراری داده و سنگرهایشان را تسخیر کنند که پس از آن استنادار، فرمانده، زاندار مری و آیت اله محلاتی و خسروخان غفاری به محل میروند در آخرین ساعات مطلع شدیم که جلسه ای در استناداری تشکیل شده که علاوه بر مقامات محلی محمد ضراغی هم حضور داشته و مقامات محلی در مورد آشتی دادن طرفین بر میآیند که موفق نمیشوند، این نشان میدهد که هیچ نقطه مشترکی بین دهقانان ستم دیده محلی و محمد ضراغی فئودال ضد انقلابی موجود نیست. دهقانان میگویند: ما تا محمد ضراغی را دفن نکنیم آرام نخواهیم نشست. تا زمان تهیه این گزارش (۵۸/۴/۴) هر چند درگیری فیصله یافته و لسی باید منتظر ادامه توطئه گری های محمد ضراغی بود.

اسامی سه تن از کشته شدگان عبارتند از: جها نبخش غنسی، کا کا قدسی جلیل و ندوسیدالاله. برخی از زخمی شدگان: علی اکبر کاظمی، قلی خان سرآشیز و بهمن کیانی که حال نفر اول بسیار وخیم است.

مینمایند و ماها را هم بعنوان اغلال گر نفسمان را کما فی السابق در کالبدمان خفه میکنند. چون متاسفانه هنوز هستند بسیار قلیل از افرادی که پاروی حق میگذارند. خواست این عشایر این است که حق مرتع از بین رفته و مشکل پیدا شد و بیسواهی آنها حل شود.

مشکلات دهقانان نوده پسیخان

دهقانان نوده پسیخان با حداقل امکانات، زندگی میکنند و از نظر فروش محصولات تحت فشار اقتصادی خریداران هستند چرا که محصول برنج در بارها از کیلو گرمی حدود ۹۰۰ ریال بوده لیکن از دهقانان نوده کیلو گرمی ۵۰۰ ریال بیشتر نمیخرند. از نظر کمک های دولتی وزارت کشاورزی به هر کشاورز در حدود ۱۵۰۰ الی ۲۰۰۰ تومان میدهد که گفته دهقانان فقط خرج تعمیر ماشین کشاورزی (شخم) در سال از این بیشتر میباشد.

هردهقان در این ده در حدود سه یا چهار هکتار زمین برای کشت دارد که بسیار کم است و برعکس روستاهای دیگر که سالی دوبار محصول درو میکنند بعلت سرما مجبور هستند سالی یکبار بیشتر کشت نداشته باشند چون در غیر این صورت ضرر خواهند کرد.

از نظر خرید محصولات نیز در فشار قرار گرفته اند چون کود که در سالهای گذشته کیلوئی ۸ تومان بود اکنون به کیلوئی ۳۰ تومان رسیده.

ما در عین پشتیبانی از خواستهای بحق دهقانان که بارها در رنجبر نیز انعکاس داده ایم خواهان این هستیم که مقامات مسئول در اولین فرصت فدا انقلابیون منطقه را دستگیر و مجازات نمایند.



*** راهپیمائی کارگران ...**

جواب دهد و فرماندار میگوید: "از آنجائیکه یکی از صاحبان کوره پزخانه ها دستمزد کارگران را اضافه کرده و این خلاف مقررات است در این صورت صاحب آجر پزی میخواهد میان کارگران اختلاف بپاندازد و کارگران قربانی رقابت بین کارفرمایان شده اند." کارگران میگویند: "باید دستمزد ۵۰۰ ریال به ۷۰۰ ریال برسد، حقوق کارگران کوره های آجر پزی شهرهای دیگر مانند ساری - آمل - تهران ۷۰۰ ریال است. ما زمستانها بیکار هستیم و دستمزد ما در تابستان کفاف خرجمان را نمی دهد، قیمت خواربار و خوراکی های گران میشود و حقوق ما همان است، و هیچ فرقی نکرده اما صاحب کوره قیمت آجرها را بالا برده و کارگران را از سابق میفرودند و لای قدر ما همان است. کارگران تا ساعت ابعداز ظهر در فرمانداری بحالت تحصن نشستند و بالاخره با قول اینکه فرماندار با صاحبان کوره ها صحبت کند و دستمزد آنها را اضافه کند، به محل کار خود برگشتند.

خواست کارگران کوره پزخانه های گران، با توجه به گران بودن روز افزون ما یحتاج زندگی خواستی بحق است، و مسائلی مانند توطئه و رقابت کارفرمایان اگر هم صحیح باشد، بهیچوجه نمیتوانند عدم توجه به گرسنگی و فقر شدید این زحمتکشان را توجیه کنند. ما از خواست بحق زحمتکشان کوره پزخانه های گران حمایت کرده و درخواست رسیدگی فوری به آن را داریم.

نظر يك كارگر

نيز همين حال وضع را كم و بيش دارند و يا بوسيله عده بي ارتجاعي و ضد انقلابي دامن زده ميشود. كارخانه كاغذ پارس (سپاهي عام) نيز از اين "تعمت" مزدوران و پرسول پرستان بي ايمان مبرا نبوده است چه در حال چه در گذشته شنيدن آن و پاي صحبت كارگران قديمي نشستن كتابي خواهد شد، ولي آيا حالا هم نامردبها و بي عدالتيها را بايد تحمل كرد؟ در ابتدای شروع سال جديد كوششهایی شد كه شورایی از طرف كارگران و كارمندان برای پيشبرد امر توليد بوجود آيد ولي با عقب افتادن، كارشكنيها و هرج و مرج اوضاع و روشن نبودن مسائل، عملی نشد تا اينكه دو ماه پيش مدیریت طی نامه ای خواست شورایی طبق ميل و اراده خودشان بوجود آيد كه فقط حالت فرمایشی و دكور داشته باشد و جای خالی شورای حقيقي را پر كند ولي هوشیاری كارگران و كارمندان امر منفي را به امر مثبت تبديل كرد و توانستيم از هر قسمت دو نفر بجای يك نفر نماينده بفرستيم و شورای مركب از ۲۰ نفر بوجود آورديم و با بي نظمی كه در كارخانه حكومري بود آرزو داشتيم سروسامانی به اوضاع بدهيم و آماده بجرای زدودن ناپاكيها و سستی ها از محيط كار و اوضاع شديم و فعاليت چند هفته يی از كار و فعاليت شورای ما نگذشت كه شایعات بی شرمانه و تهمت های ناروا رواج پیدا كرد و احساسات پاك كاركنان بر عليه بعضی ها به بازی گرفته شد و هر روز شاهد دلخوری ها و ناراحتی ها در محيط كار بوديم، بطوریکه شور و شوق كار كم شد و بحدی رسیده كه هر عمل توهين آمیزی به كارگران و كارمندان زحمتکش احتمال بروز هرگونه حادثه ای را می دهد.

توطئه مدیریت برای خنثی كردن قدرت شور و ودوستگی ایجاد كردن در شور و از طریق عواملی كه قبلا در سندیكای فرمایشی طاغوت بوده و حال بر عليه شور و اخلاگری ميكند نيز اکتفا نشد، بطوریکه

نگرفته، چرا اين همه آشفتگی وجود دارد؟ چرا ما با يذير بار زور برويم چرا روابط جای روابط را نمیگیریم؟ مگر ما برای برطرفی و رفع پارتی بازی ها، بی عدالتيها، و دزدیها كه در رژیم گذشته وجود داشت انقلاب نكرديم؟ آيا با زهم بايد تحمل كرد؟ چرا به خواست اكثريت قاطع كاركنان محروم و عزیز اين بخش توليدی نمی رسيد؟ تا کی؟ اينها همه و نمونه های از جريانات و رویدادها می است كه در محيط كار ما جريان داردم ما مطمئن هستيم در ساير كارخانه ها تيز همين آش است و همين كاسه، لذا از مسئولين ميخواهيم با اقدامی انقلابی و صريح بدردهمه زحمتكشان اين ملت برسند و گر نه نوشدارو بعد از مرگ سهراب بدردی ميخورد.

پای صحبت كارگران

خونه ندارند و اداره می نازل میگه خونه خالی نیست ولی بعضی ها يك سال آمده اند، همه چی دارند، خوب، اين انصافه، مگه نمونينيم يك نفر همه چیز داشته باشه و یکی تنوسری خور باشه؟! یکی ديگر از كارگران گفت، ملی شدن كارخانه خوب است ولی آدمهايش هم بايد ملی بشوند، اگر كارخانه ملی بشود ولی هممون چابلوسی ها و دسته بازی قدیم باشه فايده نداره، بايد رئيسها به درد ما برسند، بايد مدیریت جلسه بگذاره و به روسا بگويد كه با ما خوب رفتار كنند، بايد به همه يك جور نگاه كنند، اگر كار من خوب است مزد كمتر از کسی كه كارش خوب نیست ندهند. در همين حين یکی ديگر از كارگران گفت، بابا اينجا اصلا مثل اينكه تو عراقه كه كارخانه اصلا عوض نشده، زور و قلدريها كه دانی زاده (مدیر عامل كارخانه) كه هنوز به همين سمت هست (ميكرد هنوز يادمان می آيد، با سوت می آمدتوكا رخانه و هر جا ۳ تا كارگر ايستاده بودند صحبت ميكردند، سوت ميزده و با فریاد و داد میگفت، برويد سر كارها مگر پول مفت ميخواهيد، ياهميشه مثل رئيس پليس يا كار آگاه ها رفتار ميكرد. بين كارگرها تفاهت میگذاشته هر كه خودشيرين بود بيشتر مزد و اضافه حقوق میگرفت، هر كس اعتراض

رنجبر

ميكردند ولی حالات ثابت كرديم بدون خراجها هم ميتوانيم امور كارخانه را اداره كنيم و بسيار بهتر، حلالقول ميدهيم اگر خرابكاری و نا مردی نكنند، با همين شورای كاركنان ميتونيم كارخانه را بنحو احسن اداره كنيم تا زمانيكه وزارت كار و دولت، هيئت مديره دلسوز و با ايمان و روسای وارد و پخته سر كار بيارند، ولی كو حرف شنوا، تا چند ماه ديگر اگر به وضع مون نرسند، كارخانه شايد خوابه و يا شايد با خرابیهای بدرنگ چشم و ابرو زرد بياورند. گفته ها و گفتنيها زياد است ولی آيا دردها فقط در اين كارخانه است، آيا واقعا ميدوا ربا شيم كه به وضع كارخانه ميرسند؟ آيا وزير كار و مسئولين به ما محلی ميگذارند.

نامه شورای منتخب

حدود سه ميليارد تومان بوده و ما حيان سپاه آن شامل، بانك توسعه صنعتی و معدنی ايران، بنياد پهلوی سابق، سازمان منفور شاهنشاهی، خدمات اجتماعی سابق، سازمان برنامهم و بودجه و تنی چند از سپاهمداران خصوصي ديگر بوده اند و حال نمی دانيم در چه وضعی قرار دارد.

كاركنان شركت بالغ بوه ۱۳۵ نفر كارگر و ۲۵ نفر كارمند در چهار شيفت است و شديدتر از همه چاه در زمان طاغوت افراد سر كسوب و مورد شتم و توهين قرار گرفته اند و همه ی روابط و سيلهای بودند در اختيار آقای قادری رئيس امور اداری ساواکی مشهور كارخانه كه فعلا معلوم نیست كجا فرار كرده. آخرين گروه خراجی ها كه از كارخانه در زمان انقلاب راستين مردم اخراج شدند فنلاندی ها می بودند كه كارفرما از پول ايمن ملت ما سه ماه پس از تاريخ رفتن آنها حقوقشان را برايشان حواله ميكرد و ارز مملكت را به بلاد ميداد. البته از مدیریت غير مسئول و بی ايمانی كه حاضر به اخراج ۴۰۰ نفر از كارگران ایرانی بوده ولی كاركنان فنلاندی را ميخواستند نگاهدارد جز اين انتظار نمی توان داشت و هنوز يادمان است كه مدیریت به چند تن از كارگران گفت "حيف خونی كسبه

اجتماع كارگران سيمان ...

هستيم. از روزی كه دولت دستور بازگشائی كارخانه ها را داد، كارفرما نمیخواست كارخانه باز شود ولی نمايندگان كارگران كه ۹۹% كارگران پشتيبان آنها هستند خواهان بازگشائی كارخانه بودند و به همين علت با كارفرما درگیری داشته اند.

كارفرما میگويد: "من اين نماينده ها را قبول ندارم. نماينده ها بايد اول با نظر من و بعد كارگران انتخاب شوند. يعنی درست همان قانون طاغوتی. در تاريخ ۱۹ خرداد چند پاسدار كه شخصی به نام حاج احمد شهاب آنها را سرپرستی می كرده كارخانه آمدند و نماينده ما را بازداشت كردند و با تفاق كارفرما بسه كميته ساری برده و همان شب او را به نام كمونیست برای بازرسی به تهران ببردند و قتيكه ما اطلاع حاصل كرديم كه با مدير عامل و رئيس كارخانه (منوچهر طيورچی) ساخت و پياخت شده و نماينده ما را گرفته اند، از اينرو آمده ايم استانداری تحمّن كنيم تا نمايندگان انتخابی ما از تهران بيايد".

در همين زمان مدير كارخانه به استانداری تلفن میزند و استانداری او را می خواهد، او با سه نفر از گردن كلفت ها و ايادی

توطئه در خدمت ...

كارفرمایانی را كه زمان رژیم پهلوی رئيس كارخانه بودند عوض كند و بجای آنها افراد انقلابی بگذارد.

طبقه كارگر دارای منافع مشتركی است و می تواند و بايد در مقابل دشمنان خود، متحد شود. هر آنچه به اين وحدت زیان ميرساند، ناشی از منافع استثمارگران است. كسانيكه تلاش می كنند میان كارگران تفرقه بياندازند، موقتا به بخشى امتياز بدهند تا بخش ديگر را سر كوب كنند، اما بعدا همين كسانيكه خود را با صلاح "مدافع" و "دلسوز" كارگران وانمود ميكردند، رنگ عوض كرده و همين كارگران را مورد ضربه قرار

خود كه از اهالی دهات مجاور كارخانه هستند به استانداری می آيند و از ساعت ۱ تا ۵ با استانداری (احمد طباطبائی) صحبت می كنند. مدير كارخانه میگويد: "اين دو نماينده به نام كرامتی و رئيسی كمونیست و توطئه گر عيانك را آتش زدند". با شنيدن اين حرف، همه به خنده می افتند و استانداری میگويد: "من هم در زمان انقلاب بانك آتش زدم و شيشه شكستم. اينها كه توگفتی مدرک نیست. سپس استانداری به مدير كارخانه میگويد: "شما نبايد به كارخانه برويد" و به رئيس كميته نكا میگويد: "شما چند روز در كارخانه باشيد تا از تهران يك مدير خوب و با ايمان برای كارخانه بفرستند. نماينده استانداری نيز با كارگران صحبت كرده میگويد: "حرف شما قانونی است. به چه حقی از تهران می آيند و نماينده شما را می برند و ما نبايد اطلاع داشته باشيم". سپس نماينده استانداری میگويد: "چند نفر از شما كارگران به اتفاق چند نفر پاسدار به تهران میرويد و نامه ای رابه دادستان انقلاب تهران ميدهيد تا نماينده های شما را آزاد كنند". وقتی كارگران اين حرفها را می شنوند و از تصميم استانداری مطلع می شوند خوشحال شده و محل استانداری را ترك می كنند.

گزارشی از تراكتور ...

كارگران مديران را از كارخانه بيرون كرده و تاروشن شدن وضع مدیریت اداره كارخانه را شورای كارخانه بعهده گرفت.

در روز ۳ خرداد استانداری جديد آذربایجان شرقی، آقای غروی كارخانه آمده طی سخنرانی خود از خواسته های كاركنان دفاع كرده و گفتند شما ميتوانيد يك هيئت پاك سازی تشكيل داده و شروع به تصفيه عوامل ضد انقلاب در كارخانه بكنيد.

اتحاد محكم كارگران و كاركنان تراكتور سازی تبريز نمونه خوبی برای تمام كارخانه های كشور جهت پاك سازی و تصفيه آن از عناصر ضد ملی و ضد كارگری است. ما موفقیت های بیشتری را برای كارگران و كاركنان مبارز

بوده و حال بر علیه شورا اخلاگری
میکند نیز اکتفا نشد، بطوریکه
عملاً ردیلانه ویی شرمانه در جواب
خواستهای بعضی از کارگران گفتند
"پرویدکم کاری کنید، آخر خا رجیها
را خواهیم آورد، هر چه میخواهید
بکنید!" و این پاسخ بی مسئولیت
بودن مدیریت نیز پشت گوش
انداخته شد ولی هنوز میبینیم و
روبرو هستیم با کارشکنی ها و دلسرد
گردتهای کارگران تا موفق شوند
از آشفتگی اوضاع و برهم زدن کار
شولیدکارخانه، هر چه میلشان است
انجام دهند. دیروز در جلسه ای که
شورای کارگران مسابا مدیریت
داشت مثل روز برای ما روشن شد
که چه کسانی از وحدت و یگانگی
کارگران و کارمندان و همه وترس
دارند و بر ما روشن شد چه کسانی
بها نه میآورند و می خواهند چو ب
لای چرخ اقتصادی دولت بگذارند
و عملاً کارخانه را بخواه با نند. مدیر
کارخانه بی شرمانه در حالیکه
نوجهها و مفت خوران خودش را تو
ا تاق نشاند و در ابتدای جلسه
گفت "طبق موافقتی که مدیریت در
مورد نحوه تشکیل شورا کرده بود
شما عمل نکرده اید و این شیور را
من قبول ندارم شورای موافق
خواست ما خواهد بود که با ما یکو بود و
نکند و هرچی گفتیم قبول کند و به
کارگران کارخانه ابلاغ کند. در
این حال روسای قسمت (نوجه های
مدیر کارخانه) اورا تائید کردند ...
نمایند هها با خنده تمسخر آمیز
جوابش دادند و بحر فها و خواستهای
خود که شامل: ۱- رسیدگی به
پرونده های فردایی صلاحیت در کارخانه
۲- رسیدگی بحساب سندیکای قبلی
زمان طاغوت ۳- بررسی ضوابط
و روابط موجود در کارخانه ... و
چندین خواسته بحق دیگر پرداختند.
مدیر کارخانه با الحان
بی ادبانه و مودیانهای گفت
افراد اضافی بیرون بروند و من
این شورا را قبول ندارم. ولی
نمایندگان شورا بیرون نرفتند
و آن جلسه بهم خورد.
حال سئوالی که برای همه ما
کارگران کارخانه مطرح است این
است که چرا در طول مدت سه سال
کارخانه وضع مشخص و ملی بخسود

که خود شیرین بود بیشتر مزد و اضا
حقوق میگرفت، هر کس اعتراض
میکرد به او اخطاریه میدادند و
پرونده ها تو توما قسمت ها تا بت
میکند، بروید و ببینید که چقدر
خود من اخطاریه گرفتم.
چرا سا و اکیها هنوز تو کارخانه
کار میکنند و بیشتر از همه اضا
حقوق میگیرند، چرا بعضی از افراد
که معلوم نیست چه کاره هستند و چه
کار میکنند و یا چه کاری بلد
هستند؟ اینها چطوری مزد میگیرند؟
بجان شما، اینجا هنوز بعضی برای
بعضی ها میزنند و خرابکاری میکنند،
همه به حق خود شون نیستند چون
اینطوریه محیط را دارند درست
میکند.
یکی از کارمندان جزء در حالی
که به لهجه دزفولی به روسا
نا سازا میداد گفت با با جون وضع کار
در این کارخانه در هم برهم است،
مدیریت نظم و اراده ندارد،
مدیریت غیر قابل اعتماد است،
کارگران همگی به این مسئله که
اوضاع کارخانه چه تغییری کرده،
جواب اعتراض آمیز دارند، در همین
حین کارگر عرب زبانی به عربی
گفت "بجان شما علاقه به کار رگسی
ندارد. شور و شوق اصلا نیست، صبح
میآیی، بعد از ظهر بر میگردی.
رئیس قسمت همون اولیه که هیچ
کس از دلخوشی نداره، تازه به
ما هم داد میزنه، به حرفها گوش نمیده،
براده ای آهن تو چشم کارگری پرید
و چند روز از چشم ناراحت بود ولی
عینک ندادند، علاقه و شوق کار را
تو ما کشته اند، عصر که کار تمام
میشود مثل اینکه از زندان آزاد
شده ایم و وقت تمام نشده آماده
رفتن به منزل میشویم، چون آقا،
اینجا همه اش اینطوریه همه اش
الکیه، بخدا، همه میهند سه
بیکار میگردند، رئیسها قدم
میزنند و پیپ میکشند، یا تواتاق
حرف میزنند و بقیه وقتشون هم در
جلسه هیئت مدیره میگذره، هر روز
۵ ساعت جلسه، آخرش هیچی، کسی
اینجا درست میشه؟! معلوم نیست
شاید چند ماه دیگر!!
یکی دیگر از کارگران در حالی
که تکه آهن بزرگی در دستش بود
گفت، همه اش از خا رجیها تعریف

است که مدیریت به چند تن از
کارگران گفت "حیف خونی کسه
در رگ شماست و با یقدر رگ خا رجیها
باشد" در صورتی که رو با بسط
و توطئه ها هنوز در سطح کارخانه
وجود دارد و هیچگونه پاکسازی به
عمل نیامده، البته پس از انقلاب
با رها جوانان آگاه و انقلابی
کارخانه خواستند کارخانه را
پاکسازی کنند ولی از طرف مدیریت
نفاق افکنی و شایعه پردازی بر
علیه آنها کوتاهی نشد و حتی برای
عده ای از آنها پا پیچ درست کردند.
وقتی زمان انقلاب
و اعتصابات بود همه آقا یان
مدیران از هفت تپه فرا را بر سر
قرار ترجیح داده و کارخانه را به
امان خدا گذاشتند و ما خود به
نگهداری و نگهبانی از آنرا
تعهد گرفتیم در صورتیکه رئیس
حراست سرهنگ با زنبشته ارتش
طاغوتی نیز محل را ترک کرده بود
و هر چند در زمان کار نیز بیشتر
مست بوده که شاهدین عینی وجود
دارند و ایشان هنوز در همین سمت
باقی است.
پس از پیروزی انقلاب
اسلامی آقا یان مدیران
و کیف بدستان یکی یکی پیدا
شدند و دوباره همان آش و همان
کاسه.
اخیرا قائم مقام مدیر عامل
آقای فریدون ظلی کارمندان سابق
شرکت نفت پالایشگاه آبادان
و مسئول یکی از پروژه های گاز
در شمال را که پرونده اش با ید مورد
بررسی دقیق واقع شود بخصوص
در رابطه با آقای رضانی نیسا،
طاغوتی مشهور شرکت نفت
بخشنا مه ای ما در نمود مینی بر
انتخاب نمایندگان جهت کمیته
مشترک مدیریت و کارکنان کنه
قسمت های کارخانه هر کدام
نمایندگان خود را انتخاب و معرفی
نمایند ولی کارکنان گفتند: "ما
خود تعدادی نمایندگان خود
را تعیین میکنیم که کارفرما و
در ضمن جهت تشکیل شورای منتخب
کارکنان (شورای کارخانه) آنها
زا انتخاب کرده ایم، نه برای کمیته
مشترک مدیریت کارکنان"
در اولین جلسه مشترک

و دستور بران و امین بود
میکردند، رنگ عوض کرده و همین
کارگران را مورد ضربه قرار
خواهند داد.
منفعت هیچ کارگری در ضربه
زدن به منفعت کارگر دیگر نیست
و این حقیقتی است که باید به
آن ایمان داشت.
مدیریت و شورا، مدیریت پذیرفت
که تعداد اعضای شورا همان باشد
که کارکنان میخواهند، فقط برای
تماس با مدیریت تعدادی کمتر
در حدود ۷ تا ۹ نفر انتخاب کنند.
شورا از زمین اعضای خود تعداد ۷ نفر
را بعنوان کمیته اجرایی معرفی
نمود که با منشی جلسات شورا با
مدیریت تماس داشته باشند ولی
مدیریت گفت زمانی حاضر به
گفتگو با شما هستم که طبق بخشنامه
خود نماینده انتخاب کنید و من
شورا را برای ابلاغ دستورات
اداری میخواهم که به کارکنان
اطلاع بدهد، یکی از مسائل عمده
بر خورد شورای کارکنان با
مدیریت در مورد همین نکته و بررسی
چند درخواست از قبیل بررسی
ضوابط استخدامی، رسیدگی به
پرونده افراد ناب و فدا انقلابی،
اجرای اصول و مقررات عادلانه
در سطح حقوقی و مسائل کارکنان
که مدیریت بنحوی تا حالا خواسته
است شورا را به هم بزند و شورای
کارکنان را بدو دستگی و نفاق
سوق داده است و نه تنها از شایعه
پردازی بر علیه شورا اکتفا نمیکند
بلکه دوشبه مسلمان و عابد شده اند
و گویا گذشته خود را فراموش
کرده اند!؟
از مقام استان داریوزارت
کارمندان خواستاریم به وضع
در هم و بر هم و پاکسازی نشده ای
گافسز یا رس رسیدگی کنند زیرا
کارخانه کاغذی رس تنها تولید
کننده ای کاغذ در ایران است و ما
آرزو داریم تا بتوانیم سال آینده
تحصیلی هدیه اولین میوه انقلاب
را بفرزندان محصل خود که همانا
کتابهای درسی جدید است، بدهیم لازمه
آن وجود کاغذ به قیمت خوب و جنس
مناسب است، لذا با تصفیه و
رسیدگی به وضع کارخانه دگر می
و شور فراوانی به کارکنان این

عنا صرد ملی و ضد کارگری است.
ما موفقیت های بیشتری را
برای کارگران و کارکنان مبارز
تراکتور سازی تبریز آرزو میکنیم
و مطمئینم با فشاری برای وحدت،
مبارزه، استقلال ملی و رفاه
زحمتگشان به پیروزی های بیشتری
دست خواهند یافت.
بخش تولیدی خواهید داد و ما را
مصمم ترو با راه تریکا روا خواهد
داشت. مبنی بر این جریان است
و احتیاجات داخلی کارخانه
خواستهای کارگران را زحمتکش
و کارمندان دلسوز را بشمارا
میدهم و میداویم با بررسی
جوانب هر چه زودتر بدردم
رسیدگی شود:
۱- تصفیه عنا صر مزد و اروپا کساری
در سطح کارخانه و مدیریت برای
پیروزی حق بر باطل.
۲- بررسی و تعقیب مدیران فراری
از جمله قادی، آذرخش و سایر
طاغوتی ها.
۳- رسیدگی به قراردادها با
شرکت های فتلاندی و پیما نکاران
انگلیسی از جمله "بریفیت" و غیره
در مورد تعمیرات کلی کارخانه.
۴- ملی کردن کارخانه و توجه
دولت به پروژه ها و قرارداد های
جدید کارخانه با خارجی ها.
۵- برقراری ضوابط برای
استخدام و حقوق کارکنان.
۶- رسیدگی بوضع رفاه هی
کارکنان از جمله منازل، بیمه های
اجتماعی و غیره.
۷- جلوگیری از ضایعات و هرگونه
هزینه غیر معقول تا آنجا که امکان
دارد.
۸- اقدام و جواب فوری شما به ما.
مجددا از شما میخواهیم قبل
از هر حادثه ای ناگواری بوضع این
بخش تولیدی رسیدگی کنید و ما
نیز آمادگی خود را برای تحکیم
و حفظ دستاوردهای انقلاب اسلامی
و وطنمان اعلام داشته و مصرا نه به
پیش میتا زیم.
برای با سازی و نوسازی
اقتصاد ملی و شکوفائی انقلاب
راستین مردم ایرانمان.
شورای منتخب کارکنان
گروه صنایع کاغذی رس
۵۸/۳/۲۷

رنجبر و خوانندگان

نامه دکتر گودرز برومند

★ نامه‌ی زیرکه از طرف دکتر برومند (برادر رفیق شهید گرسبوز برومند) در اقصاء اراجیف ضد خلقی تهرانی شکنجه‌گرساواک در دادگاه انقلاب اسلامی، هفته گذشته به سر دبیر کیهان فرستاده شده بود بدست ما رسیده که بدرج آن میبردازیم. سر دبیر محترم روزنامه کیهان

در تاریخ ۲۹ خرداد ۱۳۵۸ آن جریده‌ی محترم، از قسول جنایتکار ساواک، تهرانی مطالبی دروغ و غیر واقعی راجع بمن نوشته شده است. طبق قانون مطبوعات درخواست دارم در اولین شماره، تصحیح زیر را چاپ نماید.

از روی صحنه آوردن جنایتکاران و خیانتکارانی چون تهرانی و آزاد گذاردن او که هر تهمت و افترائی کینه میخورد به سازمانهای انقلابی بزند که بگذریم، این جنایتکار دیو صفت مدعی میشود که مراد دادگاه دیده است و مرابهنگام رفتن بخارج در فرودگاه مشاهده کرده است.

اولا این ادعای او در مورد شرکت من در دادگاه دروغ محض میباشد و من در هیچ یک از جلسات

★ یک نوحوان انقلابی فروشنده‌ی "رنجبر" درما زندران برایمان مینویسد:

وقتی که من رنجبر میفروختم به من میگفتند این روزنامه کمونیستی است و من به حرف آنها گوش نمیدادم و میگفتم اگر کمونیستی است تونخواوان بگذار دیگران بخوانند و استفاده کنند و مردم از دروغهای حزب توده آگاه شوند. ۱۱ اردیبهشت از طرف سازمان انقلابی اعلامیه بدستمان رسیده بود و من پخش میکردم. آن روز من نزدیک تظاهرات بودم که یک نفر آمد و گفت بچه اینها چیست که پخش میکنی؟ این کمونیستی است و بمن گفتند بروم بش آقا.

دادگاه شرکت نداشته‌ام. مسئولین دادگاه، با کمترین انصاف میتوانند این واقعیت را بگویند، چون علی القاعده ورود اشخاص به دادگاه بر اساس نام نویسی صورت میگیرد و برای افراد کارت صادر میشود.

ثانیا راه خروج من از ایران، پس از کشف شبکه‌ی سازمان انقلابی در اصفهان و دستگیری برادر رفیق شهید گرسبوز برومند بهیچوجه از فرودگاه نبود. در آن موقع من طبق رهنمود شهید برویز واعظ زاده از رهبران سازمان انقلابی بطور مخفی و با موتور لنج به دبی رفتم و در آنجا با تشکیلات سازمان در دبی تماس برقرار نمودم و طبق نقشه تشکیلات با گذرنامه‌ی جعلی از دبی به اروپا عزیمت نمودم و سپس به لبنان رفتم و برای چند سال در صفوف سازمان آزادیبخش فلسطین خدمت نمودم.

دکتر گودرز برومند
۱۳۵۸/۳/۳۰
رونوشت به: روزنامه اطلاعات
آیندگان
با امداد
پیغام امروز
نشریه "رنجبر"

میکردند و میگفتند این کارها را نکن و ورود نبال درست این کارها بدردتون میخورد. این بود اتفاقاتی که برای من در این چند روز اخیر روی داده است.

نظریه خودم درباره رنجبر من معتقد هستم که رنجبری که میخوانم بسیار چیز خوبی است. ابداع و نقیصی در آن نیست. رنجبر به مردمان چیزهای خوبی میفهماند و مردم را به راه درست هدایت میکند.

چون دروغهای حزب توده خائن را افشا میکند. من خیلی خیلی روزنامه رنجبر را دوست دارم. وقتی که من رنجبر میفروشم احساس خوشحالی میکنم خوب پس نظر من درباره رنجبر چنین

رویدادهای جهان



دست امپریالیسم آمریکا از گره کوتاه!

و مستقلانه میهن بایدکانون های عدم توافق در بین ملت از میان برداشته شود و موجبات همبستگی ملت بزرگ را فراهم بیاورد. ۴- به منظور بررسی کلیه این نکات باید کنفرانس مشورتی سیاسی شمال و جنوب با شرکت نمایندگان کلیه احزاب سیاسی، سازمانهای عمومی و کلیه قشرهای شمال و جنوب تشکیل گردد.

سفیر جمهوری دمکراتیک خلق کره در جواب به این سؤال که بعد از انقلاب ایران چه تغییراتی در روابط کشور ایران و کره شمالی بوجود آمده است گفت: ملت ایران برای آزادی و استقلال کشور مبارزه نمودند و پیروز شدند. در این انقلاب خواهان یک نظام جدید بودند و می بینیم که جمهوری اسلامی ایران برقرار شد.

ایران در کنفرانس تدارکی کشورهای غیر متعهد در کلمبو به این جامعه پیوست. در عین حال ایران یک کشور جهان سومی است و کشور ما هم بعنوان یک کشور جهان سوم و یک کشور غیر متعهد خواهان گسترش روابط با ایران میباشد. ما خوشبین هستیم که روابط ما در آینده هر چه نزدیکتر، بهتر شود.

خلق کره، خلقی قهرمان و شریفته‌ی استقلال، وحدت و حاکمیت ملی است. ما از امر عادلانه‌ی وحدت کشور و اصول، خط مشی و برنامه‌ی آن که از طرف جمهوری دمکراتیک خلق کره و در راس آن رفیق کیم ایل سونگ، پیشنهاد شده است پشتیبانی کرده و مطمئنیم خلق قهرمان کره با بیرون راندن امپریالیسم آمریکا از خاک خون، میهن را با ر دیگر وحدت داده و بسوی آینده‌ای تابناک گام بر خواهد داشت.

قدرت خارجی و بطریق مستقل اجرا شود.

۲- اتحاد کره بدون استفاده از نیروی اسلحه و بطریق سلامت آمیز عملی گردد. ۳- صرف نظر از اختلاف در سیستم اجتماعی و دین، تمام ملت با همبستگی و هم آهنگی متحد شوند. خط مشی پنج گانه برای اتحاد

میهن
۱- باید وضع مقابله نظامی و تشنج ما بین شمال و جنوب از بین برود.

۲- در زمینه های سیاسی - نظامی - دیپلوما تیک - اقتصادی و فرهنگی بین شمال و جنوب همکاری و مناسبات همه جانبه برقرار شود.

۳- کنفرانس سیاسی شمال و جنوب با شرکت نمایندگان کلیه احزاب سیاسی سازمانهای عمومی و کلیه قشرهای شمال و جنوب تشکیل شود. ۴- برای عملی ساختن اتحاد و وطن دولت انتقالی موقت جمهوری فدرال کره مرکب از شمال و جنوب زیر یک نام واحد تشکیل شود.

۵- جمهوری فدرال کره از نظر سیاست خارجی تحت عنوان یک کشور اقدام کند.

طرح پیشنهاد چهار ماده نجات وطن

۱- برای متحد ساختن مسالمت آمیز مستقلانه میهن یک وحدت عظیم بین نیروهای سوسیالیست کره شمالی و نیروهای دمکراتیک میهن پرست کره جنوبی که مایل به یگانگی دو کشور هستند عملی گردد.

۲- برای متحد ساختن مسالمت آمیز و مستقلانه میهن وضع تشنج بین شمالی و جنوبی باید کاهش داده شود و خطر جنگ هسته‌ای از میان برود.

۳- برای اتحاد مسالمت آمیز

در روز یکشنبه ۳ تیر، سفیر جمهوری دمکراتیک خلق کره، یک مصاحبه مطبوعاتی ترتیب داد و ماه همبستگی بین المللی با مردم کره برای اخراج ارتش آمریکا از کره جنوبی را اعلام داشت. این مراسم است که هر ساله از ۲۵ ژوئن (۴ تیر) تا ۲۷ ژوئیه (۵ مرداد) برگزار میگردد، او گفت:

"از همان زمان که مردم جهان از پیروزی مردم کره آگاه شدند، همه ملل جهان آرزو مند و خواهان آن بودند که طحی پایدار در کره برقرار شود و اتحاد و استقلال کره از طریق مسالمت آمیز تأمین گردد."

وی سپس یادآوری کرد که همواره خلق کره برای متحد شدن دو بخش کشور تحت یک دولت مرکزی مبارزه کرد و لی امپریالیسم آمریکا و دولت نشانداده آن علیرغم قبول ظاهری در حرف، در عمل مخالف این اتحاد و یکپارگی کشورند. "تنها در یک سال گذشته آمریکا و دولت پوشالی کره جنوبی بیش از ۳۶۰ بار مقررات پیمان آتش بس را نقض کرده اند و بنام مانور نظامی "تیم اسپیرت ۷۹" یکصد و هفتاد هزار سرباز نیروی زمینی، هوایی و دریایی آمریکا از جزایرها و آئی و ژاپن (اوپکیناوا) و کره جنوبی تسبیح شده اند."

در حالیکه تمام مردم جهان منجمله مردم کره خواهان اتحاد دگره هستند، این تهدیدهای خطرناک ستیزه جویی نسبت به صلح جهان بشمار میرود. تمام ایمن عملیات نشان میدهد که امپریالیسم آمریکا تا چه اندازه به تقسیم کره علاقمند است و مانع اصلی اتحاد، آمریکا است. آمریکا نباید دیگر کره جنوبی را در تصرف خود نگاه دارد و باید آنچنان که خود وعده داده است سربازان و سلاحهای آدمکشی خود را از کره جنوبی خارج سازد و از کره دست بر دارد.

"هم اکنون آمریکا در کره

نگاهی به تاریخچه کره (۵۳-۱۹۱۰)

کره پس از نامیده و "لی سونگ مان" را بعنوان رئیس جمهور دست نشانده کره جنوبی بر سر کار آورد. امپریالیسم آمریکا که در این زمان، در سراسر دنیا تعرض وسیع امپریالیستی را آغاز کرده بود در ساعت ۶ صبح بیست و پنجم ژوئن ۱۹۵۰ جنگ را بر علیه جمهوری دمکراتیک خلق کره آغاز کرد. در این هجوم پیرامنه امپریالیسم آمریکا علاوه بر سربازان مزدور خود و علاوه بر ارتش پوشاری کره جنوبی، از ۴۰۰۰۰۰ مزدور ۱۵ کشور متفق خود نیز استفاده میکرد. ملت کره برهبری رفیق کیم ایل سونگ، چون تنی واحد پایا سست و مبارزه سختی را بر علیه امپریالیسم آمریکا و متحدینش به پیش راند و پس از سه سال در تاریخ بیست و هفتم ژوئن ۱۹۵۳ امپریالیسم آمریکا که مفتحضانه شکست خورده بود مجبور به قبول آتش بس گردید. از آن زمان به بعد، کشور کره بعزت ادا مسه تجاوز آمریکا و وجود نیروهای نظامی آمریکائی در جنوب کره، به دوحش شمالی و جنوبی تقسیم شده است.

تومان در شرایط اقلیمی آبادان که در تابستان گرمای آن به بیش از ۵۰ درجه میرسد، در بدترین شرایط کار می کنند و هیچگونه تا مین شغلی هم ندارند و شهرداری هم هروقت که بخواهد میتواند به خدمت آنها خاتمه دهد. رفتگران شهرداریها که از محرومترین گروههای کارگری هستند تنها در سایه وحدت، تشکل و پیوند با مردم میتوانند خواستهای بحق خود را پیش ببرند. ما از شهرداری آبادان میخواهیم که خواستهای بحق کارگران رفتگر این شهر را بر آورده سازد و در ادامه انقلاب به رفاه خلق و کارکنان زحمتکش شهرداری خدمت کند.

استعمارگران ژاپنی حدوداً در سال ۱۹۱۰ به کره تجاوز کرده و تا بعد از جنگ جهانی دوم این کشور را تحت سلطه خویش داشتند. در این مدت کره از نظر اقتصادی، سیاسی، نظامی و فرهنگی کاملاً وابسته به کشور امپریالیستی ژاپن بود. "کیم هونگ جیک" پدر رفیق کیم ایل سونگ، در ۱۵ آوریل ۱۹۳۲ با تشکیل یک گروه پارتیزانی شروع به سازمان دادن مبارزه بر علیه استعمارگران خارجی نمود. وی در همان زمان به اعضای گروه اعلام نمود که مسئله نجات وطن بدست خود ماست و در آینده هم با تکیه به خود، قادریم کشور آزاد شده را حفظ کنیم. توده های انقلابی خلق کره برهبری رفیق کیم ایل سونگ پس از دوازده سال مبارزه سرسختانه بالاخره در ۱۵ اوت ۱۹۴۵ موفق شدند که میهن خود را از وجود امپریالیسم پاک ساخته و شروع به بازسازی کشور نمایند. در این زمان امپریالیسم آمریکا که از جنگ جهانی دوم نیرومند بیرون آمده بود، در ماه سپتامبر ۱۹۴۵ به خاک کره تجاوز کرده و حای امپریالیسم ژاپن را در جنوب

* اعتصاب رفتگران

و وعیدهای سعید نیا فرماندار وقت آبادان که قول داد به کلیه خواستهای کارگران رسیدگی خواهد شد، اعتصاب خاتمه یافت ولی این خواستها برآورده نشد. در جریان اعتصاب عمومی و انقلاب مردم ایران، زحمتکشان شهرداری نیز مثل سایر نیروهای خلقی در مبارزه شرکت کردند و اینکاز دولت خواستار تحقق خواستهای خود و بهبود شرایط کار و زندگی خود هستند. در بین رفتگران تعدادی افراد مسن و خودداریند که بطور روز مزد با ماهی ۷۵۰

جنوبی خارج سازد و از کره دست بردارد. هم اکنون آمریکا در کره جنوبی ۵۰ هزار سرباز دارد و قدرت تخریبی بمب های اتمی آمریکا، مستقر در کره جنوبی، مدها برابر بیشتر از بمب های اتمی است که در هیروشیما و ناگازاکی در جنگ دوم جهانی منفجر کرد. وی افزود: "متأسفانه تاکنون همه گفتگوها و مشورتها برای اتحاد کره به نتیجه مثبتی نرسیده است. برعکس آنها در تمام مرزها مشغول ساختن دیوار مستحکمی از آهن و سیمان هستند که تفرقه میان خاک کشور را همیشه نگاه دارد. این دیوار به طول ۱۵۰ کیلومتر و ارتفاع ۵ متر است. عرض پایه آن ۱۰ متر و در راس به سه متر میرسد. ایشان اشاره کردند که "ملت کره تحت رهبری خردمندان سه حضرت کیم ایل سونگ رهبر بزرگ مردم کره و با همبستگی و حمایت فعالانه مردم صلح دوست جهان منجمله ایران، میهن تقسیم شده خود را متحد و یکپارچه خواهد کرد." طرح عادلانه ای که برای اتحاد مستقلانه و مسالمت آمیز کره توسط دولت جمهوری خلق کره ارائه شده عبارتند از:

اصول سه گانه برای اتحاد میهن
۱- اتحاد کره باید بدون دخالت

بخود است، شعاری که قاطعانه علیه اربابان تهرانی و کیانوری-امپریالیستهای آمریکائی و روسی مبارزه میکند. ما اگر مورد حمله ای این نوکران ابرقدرتها واقع نمی شدیم تعجب میکردیم. ما از این حمله خرسندیم چه بار دیگر به توده های وسیع خلق نشان میدهد که ما مرز روشنی میان خود و امپریالیستهای بویژه دوا بر قدرت امپریالیستی آمریکا و شوروی کشیده ایم. ما بروی این مرز بندی پافشاری کرده و خواهیم کرد و یا سنخ کیا نوری - تهرانی و سایر دولتهای بهم چسبیده را به پسپسج بوده ها و ضربه زدن به دو ابر قدرت و نوکران نشان خواهیم داد.

وگفت بچه اینها چیست که پخش میکنی؟ این کمونیستی است و بمن گفتند برویم پیش آقا. من گفتم من با آقا کاری ندارم و مراکشان کشان بردند. آقا نبود و اعلامیه ها را از دست من کشیدن و گفتند اسم آن کسی که اینها را به تو داده است چیست؟ من گفتم نمیگویم و بعد رفتم رفیقم که این ما چرا رادیده و شنیده بود فردای آنروز در مدرسه پخش کرد و گفت: او کمونیست است. معلمها مرا تهدید کردند و میگفتند از این کار دست بکش. زنگ آخر که خورد بچه ها مثل آنروزها که بر علیه شاه قیام میکردیم، به من میگفتند کمونیست است، کمونیست و من به حرف و صحبت های آنها گوش نمیدادم. شب به منزل یکی از بستگان رفتم پدرم از این ماجرا خبر نداشت فردا شب چند نفر... به منزل ما آمدند و در را بالگد باز کردند و گفتند بچه شما کجاست پدر و مادرم گفتند نیست رفته است بیرون آنها گفتند اگر آن را گیر بیاوریم میدانیم چطوری آن را بشما تحویل بدهیم این را گفتند و درها را به هم کوبیدند و رفتند. تمام بستگان ما را تهدید

* اعتصاب کارگران پیمانکاری..

حتی نمیشود ۲ کیلو پرتقال خرید. این شرح حال فقط چند تن از هزاران کارگر شرکت های پیمانکار شرکت نفت بود که همگی وضعیتشان به همین صورت است. بعزت عدم توجه به خواستهای کارگران، حس بدبینی نسبت به اوضاع و دولت در میان آنها در این چند روزه ای اعتصاب بالا رفته است. خواست و حرفهای آنها بحق است. آنها زحمتکشانی هستند که بار بزرگساز - ندگی کشور بردوش آنهاست و از اینرو حقدارند که مرفه و آبرومند زندگی کنند. ما از خواستهای بحق کارگران پیمانکاری یا لاینگاه آبادان حمایت کرده و از شرکت نفت مصر در خواست یا سخگوئی با آنها داریم.

وگفت بچه اینها چیست که پخش میکنی؟ این کمونیستی است و بمن گفتند برویم پیش آقا. من گفتم من با آقا کاری ندارم و مراکشان کشان بردند. آقا نبود و اعلامیه ها را از دست من کشیدن و گفتند اسم آن کسی که اینها را به تو داده است چیست؟ من گفتم نمیگویم و بعد رفتم رفیقم که این ما چرا رادیده و شنیده بود فردای آنروز در مدرسه پخش کرد و گفت: او کمونیست است. معلمها مرا تهدید کردند و میگفتند از این کار دست بکش. زنگ آخر که خورد بچه ها مثل آنروزها که بر علیه شاه قیام میکردیم، به من میگفتند کمونیست است، کمونیست و من به حرف و صحبت های آنها گوش نمیدادم. شب به منزل یکی از بستگان رفتم پدرم از این ماجرا خبر نداشت فردا شب چند نفر... به منزل ما آمدند و در را بالگد باز کردند و گفتند بچه شما کجاست پدر و مادرم گفتند نیست رفته است بیرون آنها گفتند اگر آن را گیر بیاوریم میدانیم چطوری آن را بشما تحویل بدهیم این را گفتند و درها را به هم کوبیدند و رفتند. تمام بستگان ما را تهدید

* اعتصاب کارگران پیمانکاری..

حتی نمیشود ۲ کیلو پرتقال خرید. این شرح حال فقط چند تن از هزاران کارگر شرکت های پیمانکار شرکت نفت بود که همگی وضعیتشان به همین صورت است. بعزت عدم توجه به خواستهای کارگران، حس بدبینی نسبت به اوضاع و دولت در میان آنها در این چند روزه ای اعتصاب بالا رفته است. خواست و حرفهای آنها بحق است. آنها زحمتکشانی هستند که بار بزرگساز - ندگی کشور بردوش آنهاست و از اینرو حقدارند که مرفه و آبرومند زندگی کنند. ما از خواستهای بحق کارگران پیمانکاری یا لاینگاه آبادان حمایت کرده و از شرکت نفت مصر در خواست یا سخگوئی با آنها داریم.

رویدادهای هفته

در باره قضیه

محمد رضا سعادتی

گرفته اند و رسماً و علناً از ابراز صریح اتهام نسبت به وی و ارائه دلایل رسمی خودداری میکنند، اما بنحوی غیررسمی اسنادی علیه او منتشر میشود.

این جنگ در تاریکی بنفیع خلق نیست. مردم ما معیار ردقیق سیاسی دارند و درست را از نادرست تشخیص میدهند. لذا ما معتقدیم که...

۱- هر دو طرف باید صریحاً اسناد و مدارک و مسائل خود را برای خلق انتشار دهند تا وی به قضاوت بنشیند و مسئله در چهارچوب سیاسی آن طرح شود.

۲- تماس سازمانهای خلقی با امپریالیستها و همچنین انتشار اسناد رسمی حقوقی برای مبارزه‌ی سیاسی نادرست است. جای حل و فصل مسائل جزائی درداگاه‌ها و مسائل سیاسی در صحنه اجتماع و در میان خلق است.

تصحیح

در شماره قبل، صفحه ۶، ستون ۴، سطر ۲۶، کلمه "سمیات" نا صحیح و "عضو" صحیح است.

نشانی دفتر رنجبر
تهران - خیابان مصدق
پائین تر از امیر اکرم - کوی گودرز
پلاک ۱۶ - تلفن ۶۶۰۵۱۹

نشانی پستی رنجبر - تهران
صندوق پستی ۱۴۰۱ - ۳۱۴

تخریب در هیئتینگ دانشگاه

صورت میگیرد به چه چیزی خدمت میکند. آن عده که فکر میکنند با حمله به اجتماعات و پیمانال

چندی است که از بازداشت محمد رضا سعادتی، عضو سازمان مجاهدین خلق ایران میگذرد. تاکنون زطف مقامات بازداشت کننده وی، رسماً اتهامات او روشن نشده است، اما در این میان "سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی" با انتشار جزوه‌ای وی را متهم به جاسوسی برای دولت شوروی کرده است. سازمان مجاهدین خلق نیز ظنی چندا اعلامیه نسبت به بازداشت او اعتراض کرده و با اتهام جاسوسی، پذیرفته است که او با سفارت شوروی در سطح ابراز نظراتش برای آنان در ارتباط بوده است و همچنین این سازمان ابراز داشته که اسناد و مدارکی در مورد قضیه سعادتی در اختیار دارد که بعلت در نظر گرفتن مصلحتهای از انتشار آن خودداری میکند.

ادامه چنین وضعی و دربرده‌ی ابهام نگاه داشتن واقعیت امر از هر دو طرف، بهیچوجه به نفع خلق و مبارزه‌ی او نیست. ارتباط سعادتی با شوروی در شرایطی که موضع سازمانش نسبت به امپریالیسم روسیه روشن نیست زمینه‌ای برای دامن زدن به شایعات علیه او شده است.

اگر سازمان مجاهدین، روسیه را کشوری امپریالیستی نمیداند بلکه آنرا "دوست" می پندارد، باید این مسئله را بطور واضح و قاطع برای خلق روشن کند تا مردم بتوانند در چهارچوب سیاسی به مسئله برخورد کنند.

ما بنوبه‌ی خود هرگونه ارتباط میان سازمانهای خلقی و مردمی میهنمان با کشورهای امپریالیستی چون روسیه را کاری بغایت نادرست میدانیم. از طرف دیگر مقامات بازداشت کننده و آنها مزننده به سعادت نیز روش بس نادرستی را در پییش

عصر جمعه اول تیرماه چند هزار نفر بنا به دعوت جبهه دمکراتیک ملی ایران در زمین

تظاهرات و راهپیمائی در خرمشهر

هفته گذشته راهپیمائیهای با شرکت چندین هزار نفر در خرمشهر و آبادان بخاطر تجلیل از شهیدای خلق عرب برگزار شد.

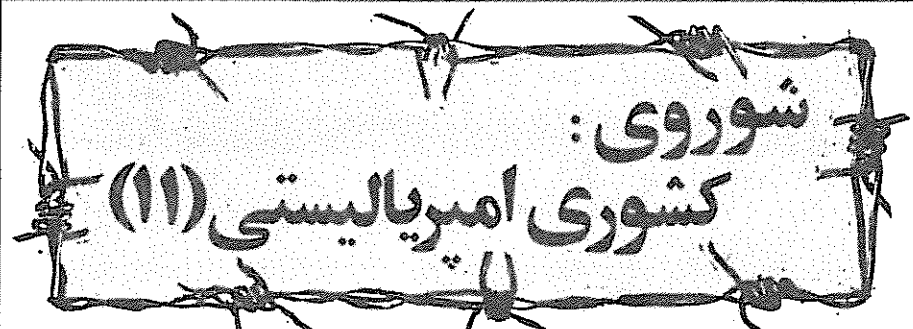
تظاهراتکنندگان در طول مسیر خود، خواستار رفع اهانتهای حضرت آیتاله شیرخاقانی و آزادی اسرای خلق عرب و رفع سانسور در رادیو و تلویزیون شدند. احساسات تظاهراتکنندگان نسبت به گفته‌های حجت الاسلام خلخالی که از قول او در یکی از هفته نامه‌های کشور نوشته بودند که "اگر آیتاله خاقانی به بازیهایی تجزیه طلبی ادامه دهد باده گلوله مغزش را متلاشی میکنم" شدیداً جریحه دار بود و تظاهراتکنندگان هرگونه اهانتهای شیرخاقانی را محکوم کردند.

حضرت آیتاله شیرخاقانی، با حرکت از منافع والای خلقهای ایران و بخاطر جلوگیری از گسترش تظاهرات در سراسر خوزستان، مردم را به آرامش دعوت کردند و گفتند که خواهستار جلوگیری از هرگونه عملی که به ثبات و آرامش منطقه لطمه میزند، گردیدند.

چند روز بعد، حجت الاسلام خلخالی در یک مصاحبه مطبوعاتی اعلام داشت که: "منظور ما شخص آیتاله نبود، چرا که آیتاله خاقانی خود بارها گفته اند ما خود مخالف تجزیه طلبی هستیم و حتی ایشان در یک مصاحبه مطبوعاتی گفته اند تجزیه طلب محکوم به اعدام است. پس آنچه ما مطرح کردیم یک قضیه مشروط بود."

در این شرایط حساس میهن هرسخن و عملی باید در خدمت تحکیم وحدت متساوی الحقوق خلقها علیه دشمنان مشتعل انقلاب باشد و هرگونه دشمنی از تضادهای درون خلق برای اجرای توطئه‌های شوم خودساز استفاده خواهد کرد.

پیام شیخ عزالدین حسینی



استعمار نو (۱)

قبل از اینکه بحثمان را راجع به استعمارگری شوروی شروع کنیم، بد نیست ببینیم معنی استعمار چیست و استعمار نو یعنی چه. لغت استعمار که ما معمولاً همراه با لغت امپریالیسم بکار میبریم، طبق گفته "لنین معنایش" الحاق طلبی است. یعنی اینکه دولت یک کشور سعی میکند کشور دیگری را ضمیمه کشور خودش بکند. رابطه استعمار با امپریالیسم چیست؟ امپریالیسم طبق گفته لنین لغت جامع‌تری است و معنی استیلا طلبی همراه با اعمال زور است. یعنی اینکه امپریالیستها میکوشند تا بطریقی سایر کشورها را تحت تسلط خودشان در آورند. حالا اگر بشکست استعمار، یعنی الحاق کشورهای دیگر توانستند اینکار را بکنند که چه بهتر، اگر نشد، تسلط غیر مستقیم هم برایشان کافی است، بنابراین استعمار موفقیت آمیزترین سیاست امپریالیستی می‌گویند.

استعمار و امپریالیسم هیچکدام چیز جدیدی نیستند، لنین میگوید: سیاست استعماری و امپریالیسم از قرنهای قبل از پیدایش سرمایه‌داری وجود داشته. مثلاً می‌گوید: روم باستان که سیستم آن برده‌داری بوده، هم سیاست استعماری داشته و هم اینکسه امپریالیسم را اعمال میکرد (رجوع شود به منتخبات دو جلدی لنین، جلد اول، قسمت دوم صفحه ۶۱۶ یا کتاب "امپریالیسم... لنین") اما از روم باستان تا کنون مفهوم امپریالیسم در هر دوره‌ای فرق کرده است، چرا؟ چون امپریالیسم فقط یک سیاست نیست و دارای محتوای اقتصادی هم هست. پس در هر دوره، بسته باینکه چه طبقه‌ای در جامعه حاکم است و هدفش از توسعه طلبی و استیلا طلبی چیست، طرز عمل آن فرق میکند. مثلاً در روم باستان که طبقه برده داران حکومت میکردند طبعاً هدفشان از توسعه طلبی علاوه بر غارتگری بدست آوردن برده‌های بیشتری بوده. در دوره فتودالیسم بدست آوردن زمینهای زراعتی و رعیت بیشتر هدف عمده استعمارگران بود. در اوائل دوره سرمایه داری که هنوز به سرمایه‌های انحصاری مالی (بانکی وغیره) مسلط نشده بودند منظور اساسی استعمارگران بدست آوردن مواد خام برای صنایع و بازارهای بیشتر برای فروش کالاهای خودشان بوده. و بالاخره بعد از اینکه اتحادیه‌های انحصاری سرمایه داران مالی غالب میشوند، هدف عمده استعمارگران بدست آوردن مناطق وسیعتری برای صدور سرمایه شد. این اتحادیه‌های انحصاری، از آنجاکه در کشور خودشان بعلت رشد زیاده از حد سرمایه‌داری امکان توسعه زیاد ندارد مجبورند برای بدست آوردن سود بیشتر سرمایه‌شان را صادر کنند. باین طریق امپریالیسم سرمایه‌داری بوجود می‌آید، مسلماً هر چه قدر قدرت اینها در کشوری که سرمایه‌گذاری میکنند بیشتر باشد، سریعتر رقیب‌هایشان را از میدان بیرون میکنند و سود کلان تری بدست خواهند آورد.

اما استعمار نو یعنی چه؟ گفتیم استعمار یعنی الحاق طلبی. نمونه‌های روشن استعمار را بخصوص در یکصد سال اخیر در افریقا دیده‌ایم. کشورهای بزرگ اروپائی هر کدام یک بخش بزرگ از افریقا را اشغال کرده بودند و بدون رودریالیستی آنجا را غارت

طلبی. نمونه‌های روشن استعمار را بخصوص در یکصد سال اخیر در افریقا دیده‌ایم. کشورهای بزرگ اروپائی هر کدام یک بخش بزرگ از افریقا را اشغال کرده بودند و بدون رودریاستی آنجا را غارت میکردند. این استعمار بی‌پرده بود، اما در نتیجه رشد جنبش توده‌های مردم در مستعمرات، استعمارگران به تدریج قدرتشان را از دست دادند. نتیجه‌این شد که یا باید جل وپلاشان را جمع میکردند و میرفتند یا اینکه راه جدیدی برای حفظ قدرتشان در مستعمرات پیدا میکردند.

امپریالیستهای خیره‌ای مثل انگلیس و فرانسه و امریکا و غیره راه جدیدی پیدا کردند و آن استعمار نو بود. یعنی بظاهر به مستعمرات استقلال میدادند ولی یکی از نوکران خودشان را که اهل محل بود در آنجا می‌گذاشتند تا بجای آنها حکومت کند، بقیه در صفحه چهارم

در باره

نوسازی روشنفکران

در جریان نیرومند و وسیع انقلاب سال گذشته، گردانهای بسیاری از جوانان و روشنفکران انقلابی بمیدان آمدند و در پیشاپیش لشکرهای توده‌ای قرار گرفتند و نقشی اساسی را در بره ثمر رساندن انقلاب بازی کردند.

تبدیل شوند. ما در اینجا بخشی از یک سخنرانی رفیق مائوتسه‌دون را، (بنام "حکلات راست‌های بورژوا را دفع کنید"، ۹ ژوئیه ۱۹۵۷، جلد ۵ آثار منتخب) منتشر میکنیم، که معتقدیم حاوی نقطه نظراتی بس پر اهمیت در باره نوسازی روشنفکران بوده و دید پرولتاریا را در این زمینه ها مشخص و روشن می‌سازد.

"کدام یک، دیگری را هدایت میکند - پرولتاریا بورژوازی را یا برعکس؟ پرولتاریا روشنفکران را یا برعکس؟ روشنفکران باید خود را به روشنفکران پرولتری تبدیل کنند. چاره‌ای دیگری نیست. "با از بین رفتن پوست، مو خود را به چه بچسباند؟" در گذشته "مو"، یعنی روشنفکران، خود را به پنج "پوست" می‌چسباندند، یعنی برای امرار معاش به آنها وابسته بودند. مالکیت امپریالیستی اولین پوست بود، مالکیت فئودالی دومی بود، و مالکیت سرمایه داری بوروکرات سومین پوست. مگر هدف انقلاب دمکراتیک سرنگون ساختن سه گوه بزرگ امپریالیسم، فئودالیسم و سرمایه داری بوروکرات نبود؟ مالکیت سرمایه داری ملی پوست چهارم بود و پوست پنجم مالکیت تولید کنندگان خرده پایینی بقیه در صفحه چهارم

اکنون پس از پیروزی انقلاب برای توده‌های وسیعی از جوانان و روشنفکران انقلابی این سؤال طرح شده است که چگونه باید انقلاب را ادامه داد و در این شرایط، اساسا چه کسی انقلابی است؟

مائوتسه‌دون، آموزگار بزرگ پرولتاریا، پاسخ این سؤال را به روشنی داده است، آن جوانی انقلابی است، که نه در حرف، بلکه در عمل نیز با زحمتکشان پیوند یابد، به آنها خدمت کند، و دوشادوش آنان برای ساختن جامعه‌ای عاری از ظلم و ستم و استثمار راه پیمائی کند.

و این راه پیمائی، معصب و دشوار است، بویژه برای جوانان و روشنفکرانی که طبقات غیر زحمتکش می‌ایند. آنها برای پیمودن این راه سخت ولی پرافتخار بیه همراهی زحمتکشان، باید خود را نوسازی کنند، افکار، عادات، سبکهای کار تغییر و زحمتکشی را از خود بزدایند، تا به روشنفکران خلقی و انقلابی

پیام بسیج عزالدين حسينی

سالها اختناق و سرکوب و ستم ملی و طبقاتی که ناشی از حکومت مفتی زمینداران بزرگ و سرمایه داران وابسته به امپریالیسم در کشور بود، دهقانان ما را از هرگونه حقوق اجتماعی و سیاسی محروم ساخته بود. اینک در شرایط مساعدی که پیش از پیروزی انقلاب بوجود آمده است، دهقانان ما امر تشکیل خود را در شوراهای اتحادیه‌های دهقانی به پیش می‌برند تا از این طریق از حقوق اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و ملی خود دفاع نمایند.

در حال حاضر در بسیاری از روستاهای مناطق مختلف کشور شوراهای دهقانی تشکیل شده است و دهقانان به عنوان یک نیروی عظیم، حضور خود را در زندگی اقتصادی و سیاسی کشور اعلام می‌کنند.

پس از تشکیل نخستین اتحادیه دهقانی در کردستان، شیخ عزالدین حسینی پیامی خطاب به کشاورزان، خوش‌نشینان و خرده مالکان سقز فرستاد و ضمن آرزوی موفقیت برای این اتحادیه، آرزو کرد که چنین تشکیلاتی هر چه زودتر در کلیه مناطق کردستان بوجود آید تا کشاورزان بتوانند از حقوق خود دفاع نمایند. شیخ عزالدین حسینی در پیام خود، اتحاد زحمتکشان را شرط لازم برای رهایی جامعه از یوغ استعمار، دانسته‌اند.

ما ضمن آرزوی موفقیت برای این اتحادیه‌های دهقانی، امیدواریم دهقانان سراسر کشور در جهت پیشبرد امر سازماندهی و ایجاد تشکیلات سالم خودکام مدافع حقوق حقه‌ای این نیروی عظیم کشور یعنی دهقانان باشد، گام بردارند و در سایه تشکیل و وحدت با کارگران، زحمتکشان و سایر نیروهای خلقی، نقش مؤثرتری در حفظ دستاوردهای انقلاب و تحکیم، ادامه و تقویت انقلاب ایفا نمایند.

عصر جمعه اول تیرماه چند هزار نفر بنا به دعوت جبهه دمکراتیک ملی ایران در زمین چمن دانشگاه تهران اجتماع کردند تا نظرات این جبهه را در باره مجلس موسسان و قانون اساسی جدید بشنوند. ولی این اجتماع با دخالت عده‌ای قلیل که خود را "مدافع اسلام" میخواندند بهم خورد. این عده با چوب و سنگ بجان جمعیت حاضر حمله نموده، شعارها و یلاکارها را پاره کرده و تعدادی از حاضران در اجتماع را مضروب و مجروح ساختند و این اجتماع مسالمت‌آمیز مردم را از هم پاشیدند. آنچه در این روز اتفاق افتاد این سؤال را مطرح می‌سازد که اینگونه اقدامات که در جهت خفه کردن هر صدای مخالفی

طرفداران روس و مواضع انقلاب ما

دارودسته‌کیا نوری از اولین روزی که با ایران آمدند تلاش مذبحانهای را بمنظور "متحشد" جلوه دادن خویش با انقلاب اسلامی میهنمان آغاز کردند و بدین خاطر قسم‌ها خوردند، لیکن محتسوی انقلاب میهن ما و مواضع قاطع و صدا امپریالیستی رهبری این انقلاب، هر بار مردم خروس را از چیب آنان بیرون کشیده و می‌کشد و کیانوری و شرکاء را سواترازیسش میگرداند.

مثلا هفته‌ها ما اتحاد (یکی از نشریات وابسته به حزب توده) در شماره ۱۴ خود پس از اینکه شعار اصلی مرحله کنونی را "مرگ بر امپریالیسم آمریکا" میخواند مینویسد: "هر شعار دیگری، عمده کردن مسائل فرعی و جزئی و رقیق کردن شعار اصلی با طرح مسائلی ز قبیل امپریالیسم شرق و غرب و بیابا امپریالیسم سرخ و سیاه و غیره و غیره، کوششی است که با مشخص نگردن دشمن اصلی و ایجاد سردرگمی در بین مردم و ایجاد تفرقه، به ضد انقلاب کمک میکند." (تاکید ما) و ادامه میدهد که: "هیچ‌کس و گروه‌هایی که میکوشند شعار اصلی این مرحله‌ی انقلاب را خدشه دار کنند و در راه ایجاد جبهه متحد خلق

صورت میگیرد به چه چیزی خدمت میکند. آن عده که فکر میکنند با حمله به اجتماعات و با اعمال کردن ابتدائی ترین حقوق دمکراتیک مردم و بستن دهانهای معترضین، به انقلاب خدمت میکنند سخت در اشتباه‌اند. این کار فقط به ایجاد تفرقه بین صفوف خلق، قرار دادن بخشی از خلق در برابر بخشهای دیگر و تضعیف انقلاب و حتی نابودی آن منجر میشود. انقلاب ما انقلابی است که ما هیتا دمکراتیک و علیه هرگونه دیکتاتور بر خلق است و مردم ما خواهان شنیدن نظرات گوناگون و تصمیم گیری برای خود هستند. ما این تهاجم را محکوم کرده و از حق ابراز آزادانه‌ی نظرات در میان صفوف خلق پشتیبانی نمیکنیم.

سنگ بینداز زندجونیروهای ضد انقلاب

انقلاب بندها خود آگاهند که انقلاب کمک میکند. (تاکید از ما) حال به بینیم این "همه‌کسان" که علاوه بر آمریکا، سایر امپریالیستها، بویژه شوروی را مورد حمله قرار میدهند چه کسانی هستند و برجستار تجاعی "فدائولایی" که دارودسته‌ی کیا نوری به آنها میزند، زیننده‌ی آنهاست یا خود کمیته مرکزی حزب توده؟ اما مغمینی در دیدار با فرهنگیان کرمانشاه گفتند: "طرد

کمکهای خود را

به حساب بانکی زیر واریز نمایید:

بانک ملی ایران

تهران - شعبه خیابان ایرانشهر

شماره حساب ۴۵۳۶۸